نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال نوزدهم - شماره ۸۳۲ یکشنبه۳ بهمن ۱۳۹۵- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



گزارش فیسبوکی استاندار بوشهر

از میزبانی آیت الله رفسنجانی در بوشهر تا بدرقه در تهران

صفحه۳



وزیرراه و شهرسازی در سفر به بوشهر:

دریا، محور توسعه بندر بوشهر است

صفحه ۲

سالاری: پرورش جوانان مستعد برای مدیریت آینده کشور ضروری است

تقدیر دولت از استاندار بوشهر، به عنوان استاندار موفق در حوزه جوانان

صفحه ۸





آتش نشان غیرت مند وطنم، تسلیت!

علی اسماعیلی

صفحه ۴

۲ هزار معلم بوشهری در دوره تقویت بنیه علمی شرکت کردند

معاون پژوهش، برنامه ریزی و منابع انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: ۲ هزار معلم با سابقه کمتر از ۱۰ سال خدمت این استان در دوره های ضمن خدمت طرح تقویت بنیه علمی دانش آموزان این استان شرکت کردند.

عبدالناصر غلامی در گفت و گو با ایرنا افزود: طرح یاد شده با توجه به تغییر برخی از کتابهای درسی و ورود روش های نوین آموزش برای معلمان مناطق ۱۸ گانه آموزش و پرورش استان بوشهر برگزار شده است.

وی بیان کرد: این دوره ظرف مدت پنج ماه و با حضور ۳۵ مدرس برجسته کشوری و استانی و از جمله مولفان کتاب در قالب هفت قطب به معلمان زیر ۱۰ سال سابقه خدمت آموزش و پرورش استان بوشهر ارائه شده است.

غلامی یادآور شد: این هفت قطب شامل شهرستانهای جم، کنگان، برازجان، بوشهر، گناوه، دشتی و عسلویه است که معلمان مناطق ۱۸ گانه استان به تناسب نزدیکی مسافت با هر کدام از قطب ها در دوره های ضمن خدمت طرح تقویت بنیه علمی شرکت کردند.

وی بیان کرد: این دوره در قالب هشت روز و در دو نوبت صبح و عصر برگزار شده و معلمان پس از حضور در دوره یاد شده و قبولی در آزمون ویژه طرح تقویت بنیه علمی ۶۰ تا ۸۰ ساعت دوره ضمن خدمت برای آنان لحاظ می شود.

غلامی افزود: با توجه به اینکه این طرح در نهایت منجر به افزایش بنیه علمی دانش آموزان استان بوشهر می شود برگزاری این دوره برای سایر سطح ها نیز تدوام پیدا خواهد کرد.

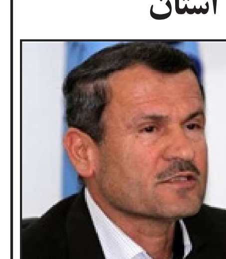
معاون پژوهش، برنامه ریزی و منابع انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر با بیان اینکه برای آموزش معلمان در قالب طرح تقویت بنیه علمی دانش آموزان بیش از پنج میلیارد ریال هزینه شده است یادآور شد: با توجه به اهمیت وافر این دوره آموزشی هزینه کرد در این بخش چیزی فراتر از اعتبارات پیش بینی شده برای آن است.

وی با تقدیر از تلاش های استاندار بوشهر و اهتمام ویژه به طرح تقویت بنیه علمی دانش آموزان استان بوشهر گفت: با تداوم این دوره انتظار است تا پایان سال تحصیلی بیش از ۷۰ درصد از معلمان بتوانند در این دوره ها شرکت کنند.

معاون پژوهش، برنامه ریزی و منابع انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: برگزاری دوره های تقویت بنیه علمی ویژه معلمان بالای ۱۰ سال خدمت نیز در اولویت های بعدی این معاونت قرار دارد.

غلامی یادآور شد: با توجه به ورود برخی کتاب های نو تالیف به سیستم آموزشی از ابتدای سال جاری تاکنون دوره هایی برای معلمان پایه های ششم ابتدایی و دهم متوسطه برگزار شده و یا در حال برگزاری است که عمده هدف برگزاری این دوره آشنایی معلمان با روش تدریس کتاب های یاد شده است.

توسعه مهارت‌های جدید در فنی و حرفه‌ای استان



مدیرکل فنی و حرفه‌ای استان بوشهر گفت: توسعه مهارت‌های جدید در فنی و حرفه‌ای با اولویت ایجاد اشتغال پایدار از برنامه‌های این اداره کل است.

عبدالرسول کازرونی در حاشیه بازدید از کارگاه آموزشی کشاورزی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس اظهار داشت: امروز یکی از دغدغه‌های اصلی مردم جامعه، بیکاری است.

وی افزود: در این راستا فنی و حرفه‌ای استان بوشهر تلاش می‌کند با برنامه‌ریزی‌های دقیق و آموزش‌ها طبق نیازهای موجود در استان خدمت‌رسانی کند.

مدیرکل فنی و حرفه‌ای استان بوشهر بیان کرد: با نیازسنجی‌های موجود در استان و برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی خواستار اشتغال هنرجویان پس از اتمام دوره‌ها هستیم.

کازرونی با بیان اینکه ما آمادگی داریم نیروهای مورد نیاز شرکت‌های مستقر در استان بوشهر را تربیت کنیم گفت: شرکت‌های فعال مستقر در پارس جنوبی می‌توانند با اعلام مهارت مورد نیاز به فنی و حرفه‌ای نیروی دارای مهارت را جذب کنند.

وی خاطرنشان کرد: حوزه کشاورزی یکی از ظرفیت‌های خوب موجود در استان بوشهر است که در این راستا این اداره کل دوره‌های مختلفی را برگزار کرده است.

وزیر راه و شهرسازی در سفر به بوشهر:

دریا، محور توسعه بندر بوشهر است

وزیر راه و شهرسازی گفت: با توجه به اجرای پروژه توسعه بندر بوشهر در آینده ای نزدیک توسعه این بندر، دریامحور می شود.

به گزارش ایرنا، عباس آخوندی در نشست حمل و نقل و مسکن بوشهر افزود: براساس برنامه ریزی انجام شده و تعهد پیمانکار فاز اول پروژه توسعه بندر بوشهر شهریور سال آینده به بهره برداری می رسد.

وی تصریح کرد: با توجه به این که بندر بوشهر کاملا به شهر چسبیده و امکان توسعه نداشت در سال ۹۳ همزمان با سفر رئیس جمهوری به این استان، طرح توسعه بندر بوشهر تصویب شد.

آخوندی با بیان این که اجرای پروژه توسعه بندر بوشهر ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه داشت، افزود: تامین مالی این پروژه از منابع دولتی امکان پذیر نبود به همین دلیل توسعه بندر بوشهر بعنوان نخستین بندر کشور از محل منابع اعتباری غیردولتی تامین اعتبار شد.

وی تصریح کرد: هدف از اجرای پروژه توسعه بندر بوشهر تنها توسعه بندر نیست بلکه با توجه به پس کرانه مناسبی که این بندر دارد می تواند فضای مناسبی برای توسعه بوشهر باشد.

آخوندی بیان کرد: در همین راستا داشتن پس کرانه ای مناسب برای این بندر از ضرورت هایی است که مورد توجه قرار گرفته است.

وی تاکید کرد: تلاش می شود با بهره برداری از طرح توسعه بندر بوشهر خاطره خوبی از دولت یازدهم برای مردم این شهر به جا بماند و این بندر از نظر اقتصادی و حمل و نقل و کیفت زندگی مردم متحول شود.

وزیر راه و شهرسازی یادآور شد: در زمان حاضر تنها کشتی های ۳۰ هزار تنی در بندر بوشهر پهلوگیری می کنند ولی با توسعه این بندر امکان پهلوگیری کشتیهای ۵۰ هزار تنی نیز فراهم می شود.

وی راه دسترسی به این طرح را جزیره نگین ذکر کرد و گفت: در سفر دوم رئیس جمهوری به استان بوشهرراه دوم خروجی تعریف شد و زمینه خروج شهر بوشهر از تک خروجی بودن فراهم شد.

آخوندی در خصوص راه آهن بوشهر نیز گفت: تلاش می شود با اجرای طرح توسعه بندری شبکه راه آهن نیز وصل شود تا در استان بوشهر حمل و نقل ترکیبی دریا و ریل بنیانگذاری و بوشهر بعنوان مرکز توسعه به کشور معرفی شود.

وی با اشاره به فرسایش زیاد بندر در نتیجه رطوبت زیاد افزود: در شرایط خاص بندر بوشهر تعمیر، نگهداری و مرمت بنادین بندر مطرح است و این پروژه طی برنامه کاملی در استان در حال اجرا است.

وزیر راه و شهرسازی با تاکید بر بازآفرینی شهر بوشهر گفت: با توجه به فرسایش ثروتهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در این شهر تلاش شد دانشکده هنر و معماری در قلب بافت قدیم بوشهر اجرا شود.

به گفته آخوندی بزرگترین ثروت هر ملتی تمدن و در ایران تمدن ایران شهری است که آن را نمی توان در بیابانها یافت بلکه در همین شهرها وجود دارد.

وی اظهار کرد: ساخت دانشکده هنر و معماری بوشهر در بافت قدیم طلیعه نگرش جدید به زندگی شهری است و زمینه ای است تا این اقدام را در سایر شهرستانهای استان تکرار کنیم.



وزیر راه و شهرسازی گفت: تلاش می شود در کنار دانشکده هنر و معماری دانشکده مدیریت بازرگانی و کسب و کار نیز در بخش دیگری از بافت، راه اندازی شود.

آخوندی در خصوص جابه جایی فرودگاه بوشهر نیز اظهار کرد: در زمان حاضر افرادی که برای سرمایه گذاری به کشور می آیند پروژه فرودگاه بوشهر را به آنها معرفی می کنیم و تلاش می شود سرمایه گذاری بین المللی برای اجرای این پروژه به استان معرفی شود.

وی در خصوص راه آهن بوشهر - شیراز نیز گفت: در ابتدای کار دولت یازدهم ۱۰ هزار کیلومتر راه آهن شروع و یا نیمه کاره رها شده بود ولی با این وجود پنج مرکز استان جدید به راه آهن را تعریف کردیم.

آخوندی بیان کرد: با توجه به اینکه امکان اجرای پروژه راه آهن بوشهر - شیراز از محل اعتبارهای دولتی امکان پذیر نیست در سفر به چین اجرای این پروژه از محل اعتبار بین المللی پی گیری شده است.

وی تاکید کرد: انتظار می رود پیشنهاد مناسبی از سوی سرمایه گذاران چینی مطرح شود و ۱۵ درصد سهم دولت نیز محقق شود تا این آرزوی مردم بوشهر بعد از سالها عملیاتی شود.

آخوندی در خصوص راههای ارتباطی استان بوشهر نیز گفت: بخش عمده ای از محورهای اصلی و فرعی مورد نظر استان از تعهدات سفر رئیس جمهوری به استان است که تامین مالی می شوند و در مورد مابقی موارد باید بیشتر مطالعه و بررسی شود.

وی با اشاره به اینکه در زمان حاضر تنها حمل و نقل دریایی در کشور بین المللی است، گفت: با توجه به ظرفیت بندرهای موجود در کشور به خصوص بندر بوشهر باید سیستم دریایی بین بنادر داخلی نیز ایجاد شود.

آخوندی افزود: توجه به حمل و نقل دریایی بین بندرهای داخلی از نظر کسب و کار و اقتصاد به ملوانان کمک بزرگی می کند.

وی با بیان اینکه حمل و نقل دریایی بین بندرهای داخلی در کشور فراموش شده است، تاکید کرد: سازمان بنادر و دریانوردی از این طرح حمایت جدی می کند.

وزیر راه و شهرسازی اظهار کرد: استان بوشهر به غیر از اهمیت درآمدهای نفت و گاز بعنوان کانون تمدن، اندیشه و فکر برای کشور مطرح و همواره در طول تاریخ نقش مهمی در حفظ تمامیت ارضی کشور را برعهده دارد.

آخوندی افزود: موقعیت خاص استان بوشهر باعث شده به آن توجه ویژه ای شود و می تواند بعنوان نگین خلیج فارس مطرح شود.

وزیر راه و شهرسازی در سفر یک روزه خود به استان بوشهر ضمن افتتاح فاز نخست دانشکده هنر و معماری از چند پروژه راهسازی و دهکده گردشگری بوشهر بازدید و در شورای حمل و نقل و مسکن استان بوشهر نیز شرکت کرد.

فرماندارگناوه:

طرح امید اجتماعی الگویی برای استانهای کشور شده است



فرماندارگناوه گفت: طرح امید اجتماعی از ایده های استاندار بوشهر است که به الگویی برای دیگر استانها تبدیل شده است.

به گزارش ایرنا، سیدعلی پاک نژاد در دومین کارگاه آموزشی توان افزایی و ارتقای تاب آوری اجتماعی بانوان در بندرریگ افزود: بحث توجه به کاهش معضلات و آسیب های اجتماعی نیاز به یک برنامه ریزی دارد که در این ارتباط دولت یازدهم مجدانه تلاش می کند.

وی خواستار برپایی مستمر چنین دوره هایی برای بانوان که به عنوان عضو مهم خانواده به شمار می آیند، شد.

بخشدار بندرریگ هم با بیان اینکه بانوان سفیران سلامت برای خانواده های خود هستند، گفت: مسائل مربوط به حوزه زنان را در جلسات و کارگروه های مختلف به صورت مستمر مطرح و از برنامه های این قشر استقبال و حمایت خواهیم کرد.

مسعودشیرافکن افزود: طرح امید اجتماعی در این بخش بجد مورد توجه قرار گرفته است.

وی گفت: حضور بانوان در این کارگاه در چند سال اخیر بی نظیر و کم سابقه بوده و تداوم آن ضرورت دارد.

مدیرعامل پایگاه سلامت روان اجتماعی آوای مهرگان گناوه گفت: این تشکل مردم نهاد مجری این طرح در بندرریگ است که یک تیم ۱۹ نفره در آن مشارکت و همکاری دارند.

معصومه دریایی افزود: در دومین کارگاه آموزشی توان افزایی و ارتقای تاب آوری اجتماعی بانوان، بیش از ۸۰ نفر استقبال کردند که زیر نظر آزاده ویسی زاده کارشناس ارشد مشاوره و به عنوان مدرس دوره مدیریت هیجانات و احساسات را فرا می گیرند.

وی از تمامی کسانی که در اجرای این برنامه همکاری داشتند، قدردانی کرد.

بندر ریگ از توابع شهرستان گناوه در شمال استان بوشهر قرار دارد.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر

۲۷۱۰ میلیارد ریال به مستمری بگیران تامین اجتماعی در استان بوشهر پرداخت شد



مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: در ۹ ماه سال جاری دوهزار و ۷۱۰ میلیارد ریال به مستمری بگیران تامین اجتماعی این استان پرداخت شد.

به گزارش ایرنا، یونس خسروانی درجمع خبرنگاران افزود: این مبلغ در اختیار افراد بازنشسته، بازمانده و از کار افتاده قرار گرفته است.

وی با بیان اینکه ۸۲ درصد از جمعیت استان بوشهر بیمه تامین اجتماعی هستند یادآورشد: همچنین در مدت یادشده ۴۱ میلیاردو ۵۰۰ میلیون ریال کمک هزینه ازدواج به زوج های جوان پرداخت شده است.

خسروانی اظهارداشت: ۲۳۰ میلیارد ریال نیز در این مدت بیمه بیکاری در استان بوشهر پرداخت شده است.

وی در ارتباط با طرح بخشودگی جرائم کارفرمایان خوش حساب نیز افزود: تا پیش از این طرح یاد شده تنها برای واحدهای تولیدی و صنعتی بود ولی از ۱۹ دی ماه جاری تا ۱۹ دی ماه فروردین سال آینده امتیازهای این طرح به واحدهای خدماتی نیز ارائه خواهد شد.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: ۵۰۰ نفر از اتباع خارجه ساکن در این استان زیرپوشش خدمات تامین اجتماعی قرار دارند که تفاوت آنها در برخورداری از خدمات بیمه بالا بودن میزان حق بیمه آنهاست.

خسروانی ادامه داد: از ابتدای امسال تاکنون در استان بوشهر پنج هزار نفر از زنان سرپرست خانواده، یکهزار نفر زن خانه‌دار، ۲۶ مداح و شاعر و ۱۶۰ نفر از نویسندگان و هنرمندان زیرپوشش بیمه تامین اجتماعی قرار گرفتند.

خسروانی ادامه داد: هم اکنون کارگاه‌های زیرپوشش تامین اجتماعی استان بوشهر بیش از هشت هزار میلیارد ریال بدهکار این اداره کل هستند.

وی افزود: شهرداری‌های ۳۷ گانه استان بوشهر ۳۰۰ میلیارد ریال بدهی به به تامین اجتماعی دارند و جها کشاورزی نیز یکی از دستگاه های بدهکار به تامین اجتماعی است.

توسعه سرمایه‌گذاری در منطقه نمونه گردشگری لیان بوشهر

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: با توجه به جاذبه‌های مهم طبیعی در منطقه، نمونه گردشگری لیان بوشهر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تاسیسات گردشگری، فضاهای خدماتی و رفاهی توسعه می‌یابد.

به گزارش تسنیم؛ سیدمحمدحسن باستی در نشست بررسی وضعیت اراضی و توسعه سرمایه‌گذاری در منطقه نمونه گردشگری لیان با بیان اینکه این منطقه از ظرفیت بالایی برخوردار است اظهار داشت: این منطقه گردشگری با داشتن جاذبه‌های باارزش طبیعی فرصت مهمی برای ایجاد سرمایه‌گذاری فراهم کرده است. وی با تاکید بر توسعه فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه نمونه گردشگری لیان تصریح کرد: با توجه به جاذبه‌های مهم طبیعی در منطقه نمونه گردشگری لیان بوشهر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تاسیسات گردشگری، فضاهای خدماتی و رفاهی توسعه می‌یابد. معاون امور عمرانی استاندار بوشهر با تاکید بر تعیین تکلیف اراضی منطقه نمونه گردشگری لیان بیان کرد: بیش از ۶۰ درصد این منطقه نمونه در محدوده شهر بوشهر است که کاربری تفریحی، توریستی و گردشگری دارد.

باستی افزود: منطقه نمونه گردشگری لیان بوشهر



فرصت مهمی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های ایجاد تاسیسات گردشگری از جمله هتل، اردوگاه اقامتی، فضاهای خدماتی، رفاهی و بالاخص ورزش‌های آبی است. وی با تاکید بر مشارکت بیشتر اداره کل راه و شهرسازی در واگذاری اراضی منطقه نمونه گردشگری به سرمایه‌گذاران گفت: اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر برای توسعه ساخت و ساز و سرمایه‌گذاری در منطقه نمونه گردشگری لیان بوشهر با سرمایه‌گذاران مشارکت بیشتری داشته باشد. معاون امور عمرانی استاندار بوشهر با اشاره به بازنگری طراحی منطقه نمونه گردشگری لیان بوشهر بیان کرد: برای توسعه سرمایه‌گذاری در منطقه نمونه گردشگری لیان بوشهر ضمن بازنگری طراحی این منطقه باید شیوه واگذاری اراضی به سرمایه‌گذاران با مشارکت اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر تعیین تکلیف شود.

رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر:

رشد و پرورش فکری معماران استان، هدف راه اندازی دانشکده هنر و معماری در استان بوشهر



رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر گفت: ساخت این دانشکده در بافت تاریخی بوشهر نماد زندگی مسالمت آمیز فرهنگی و به عنوان کانون اجتماعی شهری است که باید تقویت شود.

عبدالمجید مصلح افزود: در زمان حاضر دانشکده هنر و معماری بوشهر ۲۲۰ دانشجوی هنر و معماری دارد و برای توسعه رشته های مرتبط در این دانشکده تلاش می شود.

وی اضافه کرد: افزایش هیات علمی و توسعه رشته های دانشکده هنر و معماری براساس افق کلی ترسیم شده برای این دانشکده از برنامه ها و خواسته های این دانشگاه است.

مصلح، بر ضرورت توسعه چرخه علم تا فناوری و کسب و کار به عنوان کانون نوآوری در کنار دانشکده هنر و معماری در بافت تاریخی بوشهر تاکید کرد.

وی گفت: ایجاد دانشکده کسب و کار در بافت تاریخی بوشهر به عنوان پایلوتی در کشور باید مورد توجه قرار گیرد.

مصلح اظهار کرد: در زمان حاضر ۶ هزار و ۳۰۰ دانشجو در ۲۸ رشته کارشناسی، ۴۳ رشته کارشناسی ارشد و ۱۲ رشته دکترا در دانشگاه خلیج فارس مشغول به تحصیل هستند.

وی هدف از اجرای دانشکده هنر و معماری را ارتقای موقعیت و کیفیت آموزش استان در رشته های هنر و معماری در انطباق با سیاست گذاری های آموزشی نقشه جامع علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تاسیس رشته هایی با گرایشهای کاربردی در مقطع تحصیلات تکمیلی، جذب بیشتر استادان با تجربه عنوان کرد.

مصلح افزود: بهبود سرانه هیات علمی به دانشجو، جذب دانشجویان با استعداد در حوزه های هنر و معماری و کیفیت دهی به آموزش با هدف تعهد به جامعه حرفه های هنر و معماری، ارتقای سطح قبولی در آزمونهای تحصیلات تکمیلی و افزایش نفوذ اعتباری در دانشگاههای مطرح کشور، برگزاری همایش ها، آموزشهای عمومی برای آشنایی غیرمتخصصان و عامه مردم با هنر و معماری، ایجاد امکانات لازم برای رشد و پرورش فکری معماران استان از جمله دیگر هدفهای تاسیس و راه اندازی دانشکده هنر و معماری در استان بوشهر است.

نگرانی مردم از پارازیت در بوشهر

یکی از موضوعاتی که اخیرا به نقل محافل تبدیل شده و کارشناسان را به بررسی آن متمایل ساخته بحث امواج محیطی، پارازیت‌ها و تأثیر آن در افزایش سقط جنین و بیماری‌های مربوط به اعصاب است.
به گزارش سایت دشتستان بزرگ؛ با وجود آن‌که چندی پیش تعدادی از نمایندگان مجلس و کارشناسان به خطرات این امواج اشاره داشتند اما تاکنون هیچ نهادی، مسئولیت این پارازیت‌ها را به عهده نگرفته است. زمانی که انگشت اتهام معترضان به سمت مخابرات نشانه رفت مدیرعامل شرکت مخابرات با رد این اتهام، به صراحت می‌گوید: ارسال پارازیت‌های ماهواره‌ای بسیار هزینه‌بر است و بودجه محدود شرکت مخابرات اجازه ارسال این پارازیت‌ها را به ما نمی‌دهد.
چندی پیش نیز دکتر رضا ملک زاده معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرده بود:" علاوه بر اینکه امواج و پارازیت ها ممکن است باعث ایجاد سرطان شود، می تواند عوارض دیگری هم برای سلامتی داشته باشد و می تواند در شیوع بیشتر سرطان در کشور ما هم تأثیرگذار باشد." اظهار نظری که با واکنش تند وزیر بهداشت رو به رو شد و سرانجام دکتر هاشمی طی مصاحبه ای اعلام کرد: " ما از این آقایان خواسته‌ایم که اگر مدرکی در این زمینه دارند ارائه دهند چرا که مطمئنم که اثرگذار خواهد بود و اگر ندارند، کلی گویی نکنند؛ باید با مدرک صحبت کنیم."
اما ارسال پارازیت ها در سطح کشور و به دنبال آن در استان بوشهر نیز موجب شده تا برخی مسئولین به جای شفاف صحبت کردن با مردم، از مضرات این امواج خطرناک اظهار بی اطلاعی کرده و اعلام نمایند که اصلاً منشأ این امواج را نمی دانند!

نامه نماینده جنوب استان به سه وزیر

چندی پیش سکینه الماسی، نماینده مردم دیر، کنگان، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی طی نامه ای خطاب به وزرای اطلاعات، بهداشت و ارتباطات در اعتراض به ارسال پارازیت از منابع نامشخص نوشت: «سوال این است که منبع ارسال پارازیت‌ها کجاست و چه کسی پاسخگوی مردم است؟ فواید این کار چیست و در قبال درخطر قرارگرفتن سلامت و امنیت روانی جامعه چه دستاوردی داشته است؟»

واکنش معاون سیاسی امنیتی استانداری بوشهر به پارازیت ها

معاون سیاسی امنیتی استانداری بوشهر در پاسخ به سوال خبرنگار دشتستان بزرگ در خصوص منشأ ارسال پارازیت ها، گفت: اطلاع خاصی در مورد پارازیت ندارم و نمی دانم چی هست!

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر: دانشگاه شیراز بررسی می کند

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نیز که متولی بهداشت و سلامت در سطح استان است در پاسخ به سوال خبرنگار دشتستان بزرگ اعلام کرد: دانشگاه علوم پزشکی شیراز در حال بررسی این موضوع هستند.
رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان دشتستان نیز در این خصوص گفت: خودمان اطلاعی نداریم، فقط می دانیم عوارض کوتاه مدت و بلند مدت دارد. دکتر حسین دارابی اظهار داشت: اگر هم مشکل از دکل های همراه اول باشد، این دکل ها با مجوز معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی نصب می شوند.

نماینده دشتستان: نمی دانم از چه کانالی باید پیگیری کنم

نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی نیز در واکنش به این سوال گفت: حدود یک ماه پیش از برازجان با من تماس گرفتند که به دلیل ارسال پارازیت ها، حتی شبکه های داخلی نیز قابل مشاهده نمی باشند.
محمدباقر سعادت افزود: احتمال دادیم که پارازیت های برازجان از دکل مخابراتی پشت خیابان بیمارستان ارسال می شود، اما پس از پیگیری های صورت گرفته مشخص شد که چیز خاصی در این دکل ها نصب نشده و ارسال پارازیت ها توسط مخابرات صورت نمی گیرد.
وی ادامه داد: اطلاع ندارم این پارازیت ها از کجاست و نمی دانم از چه کانالی باید این موضوع را بررسی کرد اما پیگیری هایی را از طریق فرمانداری انجام داده ام. جای بسی سوال است که چه عاملی باعث شده که مسئولین کشوری، استانی و شهرستانی از نحوه و حتی مضرات پارازیت ها ابراز بی اطلاعی نمایند؟ و آیا واقعاً امیدی هست که این معظل بزرگ اجتماعی که سلامت مردم را تهدید می کند، با تدابیر مسئولین، حل شود؟

گزارش فیسبوکی استاندار بوشهر
از میزبانی آیت الله رفسنجانی در بوشهر تا بدرقه در تهران



استاندار بوشهر در تازه ترین نوشته خود در فیسبوک، جزئیاتی از سفر آیت الله هاشمی را به بوشهر بیان نمود. متن نوشته دکتر سالاری را می خوانید:
امروز به عنوان میزبان آخرین سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی، رفتیم تا بدرقه کننده سفر آخرتش باشیم. جمعیت و بالاخص حضور جوانان، خیره کننده بود. در نگاه ها و چهره ها می خواندی که همه با عشق و علاقه و برای قدرشناسی آمده اند.
چه با عزت رفت ولی ناگهانی. این عروج آسمانی، ملتی را به اندوه فرو برد زیرا نگاهش به آینده، همواره امیدآفرین بود و چه نعمتی برتر از امید.
حین مراسم تشییع تا پایان تدفین، لحظه به لحظه، آخرین سفر استانی و حضورشان در بوشهر از جلوی چشمانم عبور می کند. لحظاتی که در خارگ، از صنایعی که عملیات اجرایی آنها در زمان رئیس جمهوریشان در دولت سازندگی شروع شده بود، را بازدید می کرد و شوق و لبخند ایشان از اینکه اکنون آنها را فعال و مولد می دید.
هنگامی که با مردم خارگ نشست و درددل ها و گلایه مندیهایشان را شنید که گفتند: ما همانیم که در سال ۵۷ و پیش از پیروزی انقلاب به عنوان یک مبارز آمدید و مشکلات ما را دیدید، ما همانیم که در دفاع مقدس، متوسط هر روز یکبار با کارکنان صنعت نفت، مورد حمله هوایی صدام بودیم، ما همانیم که با هم عهد بستیم تا مبارزه کنیم تا با هم شهید و مجروح شویم... آیت الله در پاسخ گفت: کلامتان درست است، من کاره ای نیستم ولی به زنگنه توصیه می کنم تا این گلایه مندی را حل و فصل کند.
(بنده هم از مهندس زنگنه خواهم خواست این کلام و قول آیت الله را بر زمین نگذارد).
هنگامی که در استقبال و بدرقه در خارگ، با خضوع بی نظیر، دست همه حاضرین و میزبانان را به گرمی و صمیمانه می فشرد.
هنگام صرف شام، صحبت هایی با آقای باستی (معاون عمرانی استانداری و از رزمندگان دفاع مقدس) در مورد عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ داشتند.
شب در مهمانسرا، با همه همکاران احوالپرسی کرد، و چه باحوصله و متواضع، به درخواست آنها می ایستاد و عکس می گرفت.
صبح زود، خلاصه اخبار را روی لپ تاپ به ایشان دادند و خواندند و شنیدند، سپس آمدند برای صبحانه.
لحظات بازدید ایشان از تاسیسات بندری و دهکده گردشگری در این سفر، همه فراموش ناشدنی است.
موقعی که یکی از شهروندان غافلگیرانه دستشان را بوسید و گفت؛ «آقای هاشمی شما را دوست دارم»، چه زیبا گفتند: «هر کسی را دوست داری، این کار را با او نکن، مغرور می شود.»
هیچ میهمانی به قدر ایشان، به توسعه دهکده گردشگری بوشهر و تأثیرش بر روی شهر و استان تأکید نکرد. گفت: «کار خلاقانه ای است که باید ادامه بدهید. از این ظرفیت طبیعی برای گردشگری و اشتغالزایی استفاده کنید.» و با این سخنان، خستگی های این کار را از تنمان زدود.
در تمام سفر، آقایان سعادت و خدری (نمایندگان استان در مجلس) همراه بودند. گفتم که از مجلس مرخصی گرفته اند تا میزبان شما باشند. با اینکه آقای سعادت کسالت شدید هم داشت ولی بنا به علاقه مندی، آمده بود تا به رسم ادب، میزبانی کند. در نشست با نخبگان اجتماعی و اقتصادی، وقتی یکی از حضار در تمجید از وی، به زندگی پر فراز و نشیبش اشاره کرد و بطور اختصار خدماتش را با طبع هنرمندانه اش بازگو می کرد، اشک از چشمانش سرازیر بود.
صحبت بقیه را هم با احترام و دقت گوش می کرد.
در سخنانش از مرحوم نبوی (نماینده پیشین استان در مجلس) گفت و از علاقه اش به ایشان و اینکه از همرزمان انقلابی اش در بوشهر بوده و اینکه در مبارزاتشان از رئیسعلی دلواری شما الهام و الگو می گرفتیم و سپس با شناخت دقیق از بوشهر سخن گفت و اینکه بوشهر، قبلا دروازه ایران بوده است و الان هم باید همین گونه شود. آن لحظه که در نشست عصر با اهل سنت استان، عصر بخیر گفت و با یکایک افراد با صمیمیت احوالپرسی و دست داد. جالب اینکه در هنگام عکس گرفتن با اهل سنت، چهره دو همکاری که بین مهمانان بودند، را شناخت و گفت:" شما که با هم بوده ایم". باز از حافظه ایشان متعجب شدم.
موقع خروج از میهمانسرا، با یکایک کارکنان آنجا، خداحافظی کرد و به درخواست آنها عکس یادگاری گرفت.
وقتی سوار ماشین شدیم برای رفتن به عالیشهر، چند متر که رفتیم، وقتی پاسداران استان که طبق ضوابط، حلقه ۲ حفاظت از ایشان را عهده دار بودند و چند نفر همکاران دیگر را در محوطه دیدند، به راننده گفتند بایست. پیاده شد. با حدود ۲۵- ۲۰ نفر که بودند دست داد و تشکر کرد و برگشت و سوار ماشین شد.
در عالیشهر، در جمع مدرسین و کارکنان دانشگاه آزاد نیز چه نیک و دقیق از تکنولوژی جدیدتر از نانو سخن گفت.
پس از جلسه عالیشهر، همانجا، من و آقای زرین فر (معاون استانداری) و یکی از همکارانش، پشت سر ایشان نماز مغرب و عشاء را به جماعت خواندیم و سپس عازم فرودگاه شدیم.
برای بدرقه، پشت سر ایشان، پلکان هواپیما را بالا رفتم، گفتم که این دو روز با تمام وجود می خواستیم میزبان خوبی باشیم و ایشان لبخندی زدند و گفتند که: «چه کاری می شد که شما نکردید؟» و با این سخن رضایت آمیز، لذت حضورشان را دوچندان کرد و این پیام را به همکاران نیز ابلاغ کردم.
در فرودگاه بوشهر با این کلام ایشان، بدرقه آخرین سفر استانی آیت الله هاشمی رفسنجانی خاتمه یافت و امروز بدرقه سفر اخروی ایشان. ولی اولی چه نشاط بخش بود و دومی چه تلخ و حزن انگیز.
فضای حرم امام هم سنگین و اندوهگین بود. چه قبل از تدفین که پشت سر حاج سیدحسن آقا، نماز خواندیم و چه پس از آن که دکتر جهانگیری، دکتر لاریجانی، حاج سیدحسن آقا و ... در اتاقی با حضور چندین نفر دیگر، لحظاتی نشستیم و اندوه سنگینی حاکم بود.
می گویند حدود ۵/۳ میلیون نفر جمعیت برای تشییع آمدند و شاهد این جمعیت بودم که تنها و تنها از سر علاقه و قدرشناسی آمده بودند.
امروز بزرگمردی تأثیرگذار را بدرقه کردیم که مردم ایران در فراقش اندوهناک اند. فردا نیز (۲۲ دی ماه)، یادش را گرامی می داریم؛ بوشهر، حسینیه سیدالشهداء بهشت صادق، ساعت ۳۰/۱۰ تا اذان ظهر.
یادش گرامی و آرمانهایش پر رهرو باد.
مصطفی سالاری؛
۹۵/۱۰/۲۱











گذر از بوشهر (۲)
استقبال از وزیر مختار فرانسه در بندر بوشهر

بر اساس سفرنامه "سه سال در آسیا" نوشته گوبینو
به کوشش سیدحسن رضوی

ملوانان انگلیسی از لحاظ وضعیت جسمانی درست نقطه مقابل جاشوان هندی قرار دارند. در برابر این واقعیت مشکل بتوان برابری نژادها را پذیرفت. در عمرم هیچ چیز برجسته تر و مشخص تر از تمایز بین این دو گروه افراد مختلف که روی عرشه کار می کنند ندیده ام و از کلیه طرفداران نظریه برابری نژادهای انسانی می خواهم که قدری از اتاقهای دربسته خود خارج شوند و مدتی هم در میان مردم هند به فلسفه بازی بپردازند.
نخستین قایقی که به کشتی پهلو گرفت حامل دو ایرانی بسیار پرشور بود. اینها نخستین کسانی بودند که با کلاه پوستی دیدیم. دو ایرانی با شتاب به عرشه کشتی آمدند و در حالی که با شتاب سخن می گفتند پرسیدند که آیا واقعا وزیر مختار فرانسه در کشتی است؟ وقتی پاسخ مثبت شنیدند احترامات و تبریکات مهمانداری را که دولت مطبوعشان برای همراهی وزیر مختار از بوشهر تا شیراز تعیین کرده بود تقدیم داشتند. در حالی که این دو نفر مراتب احترام و ادب را با لحن شاعرانه و پرطراوت مرسوم به عمل می آوردند سروان کمبال نماینده مقیم شرکت هند شرقی در بوشهر همراه با پزشک وابسته و فرمانده ناو کلایو با لباس رسمی فرا رسیدند.
از وزیر مختار و اعضای سفارت دعوت کردند که در اقامتگاه نماینده شرکت سکونت کنند که ما با کمال خوشوقتیم پذیرفتیم. اندکی بعد آماده پیاده شدن شدیم. در همین حال عده دیگری ایرانی وارد شدند و از جانب حاکم بوشهر به ما خیرمقدم گفتند و اعلام نمودند که حضرت اشرف خان حاکم در کنار ساحل منتظر وزیر مختار است تا نخستین کسی باشد که در خاک ایران از وی استقبال می کند.
سفر ما از صبح روز ۱۳ آوریل ۱۸۵۵ از مصر آغاز شد. یک قایق موتوری متعلق به پادشای مصر ما را به کشتی انگلیسی که در فاصله نیم ساعتی شهر قاهره در مصر توقف کرده بود رساند. در کنار ویکتوریا یک قایق بزرگ حامل زغال ایستاده بود تا نیرویی را که طی راه لازم بود به ویکتوریا برساند. در عرشه ویکتوریا با نزاکت و صمیمیتی که بهترین خاطره را در ذهن ما باقی گذاشت مورد استقبال قرار گرفتیم و تا امروز که در بوشهر پیاده می شویم لحظه ای از این مهمان نوازی فروگذار نشد.
کشتی ویکتوریا را ترک گفتیم و در قایق های گوناگون به سوی شهر بوشهر روانه شدیم که همانطور که گفتم با اینکه از کشتی فاصله زیادی داشت اما از دور به خوبی دیده می شد. وقتی قدم به خشکی نهادیم از ترتیباتی که برای استقبال از هیئت سفارت داده بودند خوشوقت شدیم.
ابتدا حاکم بوشهر در حالی که اعضای ستاد و پیشخدمت های بی شمارش او را احاطه کرده بودند پدیدار شد. پشت سر این گروه افسران و کارمندان ادارات مختلف و سپس انبوه جمعیت که گمان کنم همه اهالی بوشهر بودند و قدری دورتر دو فوج سرباز به شکل مربع پیرامون چادری صف کشیده بودند تا مراسم احترامات نظامی را بجا آورند. سربازان پیش فنگ کردند و توپها به شلیک درآمدند. ما وارد چادر شدیم و در صندلی هایی که در دو سوی یک میز طویل که روی آن قابهای بزرگ چینی و ظروف کریستال مملو از انواع شیرینی ها و تنقلات چیده بودند نشستیم. در این هنگام طبلها به کمک دسته موزیک شتافتند و هر صدایی که می شد انتظار داشت از خودش در می آورد و صدای شلیک توپها به این صحنه حالت رسمی تری می بخشید.
حاکم بوشهر شخصیت کوچکی نبود. علاوه بر وظیفه فرماندار و فرمانده لشکر، عنوان دریابیگی را نیز داشت و قلمرو حکومت او سراسر خلیج فارس بود. اما در حقیقت وسایل اجرای قدرتش محدود بود چون جز یک قایق بزرگ بدون عرشه که شاید درگذشته قادر به دریانوردی بوده ولی اکنون کهنه و اسقاط شده و از همه جای آن آب به درونش نفوذ می کرد و یک پهلو روی شنهای ساحل افتاده بود، وسیله دیگری در اختیار نداشت. با این همه پرچم فرماندهی با غرور فراوان بر فرازش در اهتزاز بود. به نظر می رسید بقیه ناوگان ایران صرفا جنبه خیالی داشته باشند. اما اگر استعداد دریانوردی خان حاکم ضعیف بود، در عوض قدرت بیان فوق العاده ای داشت و در اظهار تعارفات به وزیر مختار وظیفه اش را به نحو احسن انجام داد.
ادامه دارد...

ویژه
شماره ۸۳۲ یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

ابراز همدردی استاندار بوشهر با حادثه دیدگان آتش سوزی ساختمان پلاسکو

حادثه تأسف بار سانحه آتش سوزی در ساختمان پلاسکوی تهران که منجر به شهادت جمعی از آتش نشانان عزیز، فداکار و ایجاد خسارت و تلفات جانی تعدادی از هم وطنانمان شد موجب تأثر شدید گردید. از جان گذشتگی های جانانه آتش نشانان، که همواره جان عزیزشان را خالصانه برای نجات دیگران به خطر می اندازند، هیچگاه از اذهان تاریخ و ملت قدرشناس ایران پاک نمی شود. اینجانب ضمن ابراز همدردی با خانواده شهدا و مصدومان این حادثه غمبار و سایر همکاران خدومشان، برای شهیدان علو درجات، برای مصدومان سلامت و صحت و برای ملت ایران صبر و اجر مسألت می نمایم. مصطفی سالاری

امام جمعه بوشهر شهادت جمعی از آتش‌نشانان را تسلیت گفت

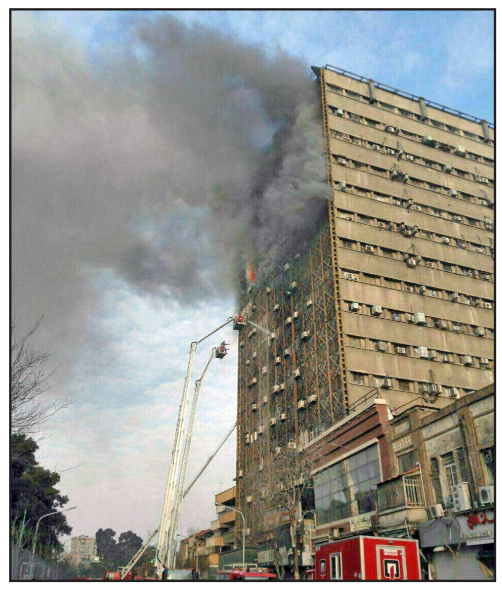
حادثه تأسف برانگیز آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان پلاسکو در تهران که منجر به شهادت و مصدومیت جمعی از جان برکفان آتش نشانی و آسیب و تخریب محل اشتغال بسیاری از تلاشگران عرصه اقتصاد سبب تأسف و تألم بسیار شد. نماینده ولی فقیه در استان بوشهر در این پیام با تسلیت جان باختگان در این حادثه تصریح کرده است: اینجانب از فداکاری و ایثار برادران گرانقدر آتش نشانی و همه مسئولانی که در این راه تلاش کردند قدردانی کرده و این ضایعه دردناک را به حضرت بقیه الله الاعظم و رهبر معظم انقلاب اسلامی و مردم شریف ایران به ویژه خانواده‌های داغدار و آسیب دیده از طرف خود و مردم گرانقدر بوشهر تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند سلامت و صحت آسیب دیدگان خواستارم و از همه مسئولان تقاضا دارم که به مصدومان و خانواده‌های محترم شهدا و آسیب دیدگان این حادثه مساعدت و همکاری ویژه داشته باشند و امیدوارم دیگر با عنایات الهی و پیشگیری لازم از طرف مسئولان و صاحبان این نوع اماکن، شاهد این حوادث تلخ نباشیم.

آتش نشان غیرت مند وطنم، تسلیت!

علی اسماعیلی

دوباره تهران و شب تلخ وداع
سلام برادر آتش نشانم، خدا قوت ! دوباره از عملیات برگشته ای دوباره بی برادر! چقدر سخت است باز این غروب پنجشنبه ایران می دانم حس و حالت را!! همین صبح پنجشنبه در کنارش بودی، با هم مثل همیشه از هر دری سخن گفتید شاید کری فوتبالی خواندید! شاید رفیقت از مقدمات ازدواجش برایت گفت! شاید از درد قلب مادرش یا کمر پدرش ... شاید از شیطنت های کودکش برایت تعریف کرد که چه می کند این وروجک در خانه .... شاید داشتید همینطور می گفتید و می خندیدید که صدای زنگ ایستگاه به صدا درآمد! صدای مثل همیشه! سه سوت خود را به ماشین می رسانید حرکت می کنید و باز مثل همیشه در دل دعا می کنید که به وقت برسید، باز دعا می کنی که بتوانی ناجی باشی. وقتی نام پلاسکو را می شنوی می دانی کارت می تواند سخت تر از هر روز باشد؛ حریق در بلندمرتبه ها همیشه سختی های خاص خودش را دارد ولی تو زاده شده ای برای روزهای سخت این سرزمین! به دلت هیچ غم و فکر و خیال بدی راه نمی دهی! عزمت برای این مهار آتش هم جزم است! به پلاسکو می رسی برای هم آرزوی موفقیت می کنید و دست به کار می شوید! کار سخت است و نوبت به نوبت و گروه به گروه وارد عملیات می شوید تا بتوانید نفسی هم تازه کنید! تجهیزاتت زیاد مجهز برای کار امروز نیست اما تو همیشه از دل و جان مایه گذاشته ای و این بار هم مثل همیشه.

تو بیرون آمدی رفیقت به داخل رفت، چند دقیقه ای از استراحت نگذشته بود که صدای انفجارها شنیدی! ناگهان ساختمان، جلوی چشمانت فرو نشست!! به اطرافت خوب نگاه می کنی خیلی از دوستانت نیستند! اصلا یادت می آید تو که بیرون رفتی آنها به داخل رفتند! شوکه هستی! یعنی آنها واقعا داخل بودند؟ یعنی آنها الان زیر آوار هستند؟ تلویزیون پخش مستقیم می کند و خیلی ها هم در فضای مجازی لحظه به لحظه گزارش می فرستند! تلفنت زنگ می خورد! پشت سر هم! از خانه است! دلت نمی آید گوشی را برداری و بگوی زنده ای!! بگویی من هستم اما رفیقانم نه! جواب می دهی: مادر، خواهر، همسر و یا ... برای رفیقانم دعا کنید!! آتش نشانان معمولا شماره همکاران خود را به اهل خانواده می دهند تا در مواقعی که نتوانستند پاسخگوی تلفن باشند خانواده با همکارش تماس بگیرند و از نگرانی خارج شوند! تلفنت باز زنگ می خورد، شماره خانواده رفیقت هست! می دانی که



رفیقت قادر به پاسخگویی دیگر نیست! اما با خودت می گویی من چه جوابی بدهم!؟ لحظه سختی است ... صدای زنگ تلفن! دود آوارها! بوی آتش ... بوی یتیمی بوی بیوگی بوی داغ فرزند و باز حس تلخ دادن یک خبر تلخ! چه بگویم؟ هیچ چیز هنوز معلوم نیست! فقط دعا کنید! خدا نکند آنسوی خط مادری و یا همسری و یا فرزندی، عزیزش را بعد از خدا از تو خواسته باشد! دل به آوارها می زنی! بدنبال ناجیانی که باز از جان خود مایه گذاشتند! ساعت را فراموش کرده ای! هیاهوهای اطرافت را نمی بینی و نه می شنوی! در حیرانی از آن سیل جمعیت تماشاگر که وقیحانه با دوربین هایشان تو را دنبال می کنند از کنارشان بی توجه می گذری و به دنبال رفیقت می روی! تو هم از جان مایه می گذاری ....

ساعتی از غروب پنجشنبه گذشته است ! ملتی دست به دعا هستند در انتظار معجزه! باز ابراهیم های وطن دل به آتش زده اند و ما دست به دعا که باز آتش گلستان شود! باز ایران است و من از این حادثه به خیلی پیش تر از یازده سپتامبر می رسم! به جنگ! به سنگرسازان بی سنگر! جانکاه ادامه می دهی! تا باز به رفیقت می رسی! ولی این بار زیر خرمن ها آوار! دستت را به سمتش دراز می کنی! انگار دگر نمی خواهد روی این کره خاکی دست کسی را به کمک بگیرد! به پیکر بی جانش سلام می کنی! خودت را معرفی می کنی! اما سلامت بی جواب است! در رسمش نبود!! اما می گذاری به پایه زمانه بد ... در ذهنت کودکش می آید مادرش، پدرش، همسرش ... چه جوابی بدهم؟ دوباره صدای زنگ تلفنت دوباره صدای آوار دوباره صدای آژیر خطر، دوباره صدای هق هقی آشنا، دوباره گریه ... همه در هم می پیچند در پیش چشمانت در گوشه ای از ذهنت در کنار آوارهای در خیابان استامبول تهران.

آتش نشان غیرت مند وطنم تسلیت! مردمان سرزمین من تسلیت! داغداران حادثه سی تیر نود و پنج پلاسکو تسلیت! غم آخرتان باشد! باز تهران شد و باز شب وداع! شب تلخی دیگر از جنس همین شب های دی ماه تهران!! امروز از پس حادثه و عوامل آن چیزی به سخن نمی آورم زیرا نمی خواهیم در اوج عزا و غم کشورم حرفی زده شود که گویند از غم مردم بهره جناحی و سیاسی بردند! بدون شک مردم سرزمینم وداع باشکوه دیگری را با شهیدان وطن خواهند داشت! تا دوباره در تاریخ قدردانی ما نسبت به مقام شامخ آنها ثبت گردد.

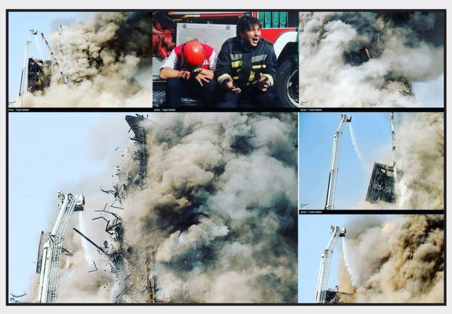


اندوه تازه در راه است

احسان محمدی: بیشتر از آنکه اشک بریزیم، بغض در گلو داریم برای همین، شقیقه هایمان درد می کند. مثل وقتی که دنبال دیواری می گردیم تا سرمان را به آن تکیه بدهیم و یک دل سیر گریه کنیم.تلخ است اما چهل روز دیگر که از این ماجرا بگذرد، بیشتر ما نه در پلاسکو، که در پاساژها و بازارهای دیگر دنبال خرید شب عیدیم. کفش پا می زنیم، کت و شلوار و شال و مانتوست می کنیم و یادمان می رود که آخرین شب دی ماه خودش یلدایی بود و با تلخی به صبح بهمن گره زدیم.

یادمان می رود. زندگی ادامه دارد و خاک سردی می آورد...

اما در آتش سوزی پلاسکو و حادثه هایی از این دست، بیش از «زنده» ها این «زندگی» ها هستند که می سوزند، می میرند. جانباختگان عدد می شوند، آمار و سنگ قبری سیاه که تا ابد داغش بر دل خانواده هایشان می ماند اما بازماندگان چه کنند؟ پلاسکو فقط یک ساختمان کهنه نبود که فرو ریخت. برکه ای بود که خشک شد و حالا دهها و صدها ماهی در کف ترک خورده آن تشنه لب، پرپر می زنند. خبر دارید چند خانواده اینجا نان می خورد؟ می دانید چند نفر بیکار شدند؟ چند زن خیاط که سوزن سوزن می زدند و حتی حقوق آبان و دی ماه را نگرفته بودند حالا باید سفره شان را



کوچکتر بچینند؟چند نفر سفره شان جمع می شود؟ چند کودک بیمار دیگر داروهایشان به موقع نمی رسد؟

مدیریت بحران فقط آواربرداری و خاموش کردن آتش نیست. بحران خانواده هایی که زندگی شان به این ساختمان گره خورده بود درست از فردا شروع می شود. دیشب و امشب شام غریبان زنده هاست، آنها که زندگی، آرامش و امنیت شان به مخاطره افتاده است. چک هایی که برگشت می خورند، مردهای آبرومندی که ورشکسته می شوند، زندگی هایی که از هم می پاشد...

امیدواریم این طور نشود، اما واقعیت، زبان تلخی دارد. گزنده، بی رحم و یادمان می آورد که در فاجعه هایی از این دست که یک جرقه کوچک بی احتیاطی و سهل انگاری آن را شعله ور می کند، بیش از زنده ها، این زندگی ها هستند که می سوزند و می میرند ...

فاجعه پلاسکو

عبدالرسول عمادی



ما می توانیم بگوییم که حادثه آتش سوزی مهارنشدنی یک ساختمان ممکن است در هر جای جهان اتفاق بیفتد و باید اظهار تأسفی کرد و رد شد کما این که عملا هم در کشور ما جز این کار اتفاق نمی افتد.

اما اگر بدانیم که هر معلولی علتی دارد و آن علت هم خود معلول علت یا علل دیگری است و در جهان هیچ اتفاقی بدون وجود روابط علی صورت نمی گیرد، باید در نهایت به این تن برسیم که کار ما در سیاست گذاری های کلان مان ایراد دارد که در مقیاس های خرد دچار مسأله بحران و فاجعه می شویم.

ما البته از قدیم عللی را تراشیده ایم که خود را مبرا کنیم و آنها را مقصر بدانیم.

توطئه های استکبار جهانی و دشمنان، کمی بارش و بی اعتنایی آسمان، قضا و قدر و چیزهایی از این دست بهانه های ماست برای فرار از مسئولیت های فردی و اجتماعی خودمان.

وقتی که کودک بودیم اگر می افتادیم و جایی از بدن مان درد می گرفت و گریه می کردیم مادرمان اولین چیزی که نزدیک بود را مقصر می گرفت و برای آرام کردن ما مثلا علت افتادن ما بر زمین را خود زمین می گرفت و با دمپایی چند تا ضربه محکم به زمین می زد تا ادبش کند که چرا بچه اش را مواظبت نکرده و او را به گریه انداخته است.

در بزرگی به ما گفته اند که آدم ها هر چه تلاش کنند بیشتر از روزی خود به دست نمی آورند و بنابراین فقر فقیر و غنای غنی ناشی از کم و زیاد بودن روزی مقدر است و آدم گنجشک روزی هر چه جان بکند همیشه هشتش گرو نه اش خواهد بود.

من این را حتی امتحان هم کرده ام و موارد مؤیدی را بر این نظریه هم دیده ام. کوچک که بودیم بعد از یکی دو بارندگی در زمین های شخم زده به دنبال قارچ های خودرو می رفتیم و تفاوت میزان قارچ هایی که ما در این قارچ یابی به دست می آوردیم یک جور تأیید برای این نظریه بود.

از کودکی نظام تعلیمی و تربیتی ما به گونه ای نبوده که جهان را به شکل نویی ببینیم.

نظام آموزشی ما عمدتا وظیفه اش نهادینه کردن همان نگرش های معمولی و عوامانه بوده است.

در مدرسه علم هم به ما آموخته اند اما نه علمی که به ما نگرش بدهد و به تغییر رفتار منجر شود بلکه علمی که در بهترین حالتش و در بهترین دانش آموزان قدری دانش فرار از دست رونده ایجاد کند.

ماحصل آن تربیت های کودکی، آن تلقی های عوامانه در بزرگی و این نظام آموزشی معیوب و بی نتیجه این شده است که نه تنها نمی توانیم مسائل مان را مدیریت و حل کنیم که حتی نمی توانیم مسائل خود را به درستی درک کنیم.

خیلی از ماها در بحث از مسائلی که با آنها روبرو هستیم فورا می گوییم البته این مسائل در همه جای دنیا هست یا به جای برداشتن گامی در حل مسائلی که هست خود هم بخشی از مشکل می شویم و می گوییم از من یکی به تنهایی چه کاری ساخته است؟ و این چنین است که هوا آلوده تر، سدهای مان بی آب تر، مشکلات اجتماعی مان پیچیده تر و بیماری های ما عمیق تر و درمان ناپذیرتر می شوند.

ما بیماریم.

به بیماری خود اذعان و باور نداریم.

توهم طبابت هم داریم.

داروهایمان عوضی و غلط است.

به خودبزرگ بینی مفرط هم دچاریم.

ما در جهل مرکب خود چون ساختمان پلاسکو روزی کلا فرو می ریزیم.

منبع: دات نیوز

خاطره ای از ساختمان پلاسکو

دکتر افشین استوار

زمستان ۶۸ بود. زمستانی سرد با بارشهای پشت هم برف و باران. آن سال من دانش آموزی ۱۷ ساله بودم که تازه دیپلم گرفته بودم. یکی دو ماه پیش با اصرار پدرم که معلم دبستان روستایی در جنوب بود برای شرکت در کلاسهای کنکور در یکی از مؤسسات آموزشی پایتخت که ادعای قبولی تضمینی در کنکور را داشت به تهران رفتم و در پانسیونی که مؤسسه در قبال دریافت اجاره در اختیار شرکت کنندگان شهرستانی کلاسها گذاشته بود ساکن شدم. هنوز یکی دو هفته از شروع کلاس ها نگذشته بود که مؤسسه با شکایت سایر مؤسسات آموزشی از طرف مراجع قضایی پلمب شد و ما آواره شدیم. پس از مدتی سرگردانی به همراه یکی دیگر از ساکنین پانسیون اتاقی در یک ساختمان قدیمی که دانشجویان در آن ساکن بودند اجاره کردیم و در یک مؤسسه دیگر نام نویسی کردیم.

آن روز برفی را هرگز فراموش نمی کنم. هوا بسیار سرد بود و سلاح مؤثر من در برابر این سرما کاپشنی بود که تابستان همان سال پدرم از مسافرتی از دوبی برایم سوغات آورده بود. یک کاپشن خوشگل و ضخیم مشکی که حسابی آن را دوست داشتم و در پاسخ به هر کسی که می‌پرسید از کجا خریده ای با افتخار می گفتم که پدرم از دوبی برایم آورده است. آن روز از کلاس که برگشتم، اتاق بی‌نهایت سرد بود. با عجله قبل از اینکه لباس هایم را درآورم، از یک پیت نفتی در حیاط نفت کشیدم و در بخاری نفتی ریختم و آن را روشن کردم. دستهایم یخ زده بود و با تمام وجود می لرزیدم. بخاری هنوز کاملا گرم نشده بود و اتاق هم خیلی سرد بود. برای گرم شدن تقریبا به بخاری چسبیده بودم که ناگهان بوی تند سوختن نایلون همه جا را پر کرد. خودم را از بخاری جدا کردم و خیلی زود متوجه شدم که کاپشن دوست داشتنی ام طعمه بخاری نفتی شده است. آستین کاپشن در قسمت بازو کامل جمع شده بود و بوی مشمئز کننده ای از آن به مشام می رسد. ولی آن چه بیش از آن بوی بد مرا آزار می داد، درک این مسأله بود که تنها لباس گرمم که قرار بود مرا از سرما محافظت کند، سوخته است. گریه‌ام گرفته بود. از فرط ناراحتی بدون آنکه ناهار بخورم، خوابیدم. نمی دانم چه مدت خوابیده بودم که با صدای در از خواب پریدم. هم اتاقیم فرید بود که از کلاس برگشته بود. فرید بعد از دیدن ناراحتی بیش از اندازه من گفت: حالا غصه نخور. یک سری به "ساختمان پلاسکو" بزن شاید آن را برایت تعمیر کنند. این اولین باری بود که من اسم "ساختمان پلاسکو" را می شنیدم. درنگ جایز نبود. با ناامیدی آدرس را از دوستم پرسیدم و کاپشن نازک پاییزه‌ای که داشتم پوشیدم و کاپشن سوخته را در کیسه نایلونی گذاشتم و به سمت ساختمان پلاسکو راه افتادم. وقتی به ساختمان پلاسکو رسیدم تقریبا یخ زده بودم. پایین ساختمان پلاسکو یک پاساژ بود که بعدها فهمیدم اسم آن پاساژ کویتی ها بود. به چند مغازه پوشاک سر زدم. با اطلاع از قیمت ها آه از نهادم بلند شد و بیشتر به عمق فاجعه پی بردم. برای خریدن چیزی مثل کاپشنی که سوزانده بودم، معادل هزینه زندگی سه ماهم را در تهران باید پرداخت می کردم. از فهمیدن اینکه تا پایان زمستان باید با این کاپشن نازک پاییزه سر کنم، بیشتر سردم شد و لرزش بدنم بیشتر شد. از دیدن سایر مغازه‌ها منصرف شدم و پس از پرس و جو به سمت تولیدی های پوشاک "ساختمان پلاسکو" راه افتادم. از طبقه اول شروع کردم. به یک‌یک تولیدی های کاپشن سر می زدم و از آنها می پرسیدم که آیا می‌توانند کاپشن مرا تعمیر کنند یا نه. اغلب آنها تنها سری به علامت منفی به سمت بالا تکان می دادند. چند تایی از آنها هم بعد از معاینه کاپشن و دیدن عمق فاجعه با تاسف ناتوانی خود را از تعمیر کاپشن ابراز کردند. ۶ طبقه را به این شکل طی کردم و به طبقه هفتم رسیدم. خسته و مستأصل بودم و در همین حال وارد یکی از تولیدی ها شدم. مرد جوانی حدود ۳۰ ساله پشت چرخ خیاطی نشسته بود و با جدیت مشغول کار بود. او حتی سرش را بالا نیاورد تا به من نگاه کند. همه جا پر بود از کاپشن های مشکی شبیه کاپشن من. مدتی منتظر ماندم و کاپشن ها را زیر چشمی نگاه کردم تا بلکه به من اعتنایی کند ولی بی فایده بود. سرفه‌ای کردم و گفتم: آقا ببخشید ممکن است خواهش کنم یک نگاهی به این کاپشن بیاندازید و در همان حال کاپشن را از کیسه نایلونی بیرون آوردم و روی میز اتویی که در مغازه بود گذاشتم. مرد جوان سرش را بالا آورد و گفت: چه می خواهی؟ گفتم: آستین کاپشنم سوخته. می خواستم ببینم شما می توانید برایم زحمت تعمیر آن را بکشید. صدایم می لرزید و استیصال در آن موج می زد. مرد جوان ولی بی اعتنا به وضعیت من پاسخ داد: نه پسرجان وقت ندارم. دوباره اصرار کردم: خواهش می کنم آقا. هر چقدر بفرمائید، تقدیم می کنم. من دانشجو هستم و کاپشن دیگری ندارم. هوا هم خیلی سرد است. مرد دوباره حواسش را جمع کارش کرد و گفت: گفتم که اینجا تولیدی است نه خیاطی. وقت



این خرده کاری ها را نداریم.

کاپشن را دوباره در کیسه گذاشتم و داشتم از مغازه بیرون می رفتم که مرد مسنی از پشت تولیدی به جلو مغازه آمد. به من اشاره کرد و گفت: بمان پسر جان. بعد رویش را به مرد جوان کرد و گفت: پسر تو چه جور آدمی هستی. مگر من هزار بار به تو نگفتم که کار مردم را راه بیاندازی. چطور می توانی این طور بی خیال به مردم جواب منفی بدهی. مگر نمی دانی که مردم چه وضعی دارند. مرد جوان اخم هایش را درهم کرد و سرش را پایین انداخت و بدون هیچ حرفی پایش را بر روی چرخ خیاطی فشار داد و به دوختنش ادامه داد. مرد مسن در حالی که همچنان غر غر کنان پسرش را سرزنش می کرد، به سمت من آمد. کاپشن را از نایلون بیرون آورد و به دقت معاینه کرد. در حالی که سرش را تکان می داد زیر لب زمزمه کرد: بدجوری سوخته. کار بررسی کاپشن که تمام شد، سرش را بالا آورد و با نگاه مهربانش سراپای من را وارانداز کرد. بعد دست راستش را روی شانه چپم گذاشت و گفت: باشد پسرم. این را بگذار اینجا باشد. من برایت تعمیرش می کنم. نمی دانستم چطور باید از او تشکر کنم. با خوشحالی من و من کردم: ممنونم آقا. دست شما درد نکند. خیلی لطف کردید. هر چقدر دستمزدش باشد، تقدیم می کنم. لبخندی زد و گفت: فردا شب ساعت ۷ بیا و ببرش.

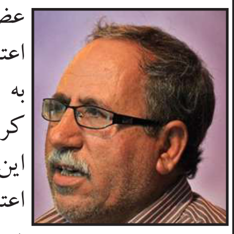
فردا شب ساعت شش و نیم ساختمان پلاسکو بودم. ۲۴ ساعت گذشته را خانه مانده بودم و کلاس هم نرفتم. هوا آنقدر سرد بود که اصلا فکرش را نمی توانستم بکنم بدون کاپشن نازنینم بیرون بروم. نیم ساعتی در پاساژ کویتی ها مغازه ها را نگاه کردم و سر ساعت ۷ وارد تولیدی شدم. همان مرد جوان دیروزی پشت چرخ خیاطی نشسته بود و مشغول کار بود. مرا که دید نگاه مهربانانه‌تری نسبت به دیروز به من انداخت و صدا زد: آقا جون مشتری. پیرمرد مهربان از پشت تولیدی به جلو مغازه آمد. سلام کردم. گفت علیک السلام پسرم. بیا! بیا ببین کاپشنت خوب شده یا نه. بعد میله را برداشت و کاپشن را که در کاور نایلونی گذاشته شده بود، از روی رگال بالای سر مرد جوان، پایین آورد. کاپشن را که از کاور بیرون آورد، چیزی را که می دیدم، باور نمی کردم. چند بار همه جای آستین را بررسی کردم ولی کوچکترین اثری از سوختگی نبود. انگار نه انگار که قسمت بالایی آستین کاملا مچاله شده بود. سرم را بالا آوردم و نگاهی از سر قدرشناسی به پیرمرد انداختم. با لبخند گفت: کلی گشتم تا پارچه خودش را برایت پیدا کردم. خود خودشه. بعد آستین دیگر کاپشن را به من نشان داد و گفت: بالای این آستین را هم برایت عوض کردم که کاملا قرینه باشد. دیگر نمی دانستم چه بگویم. دلم می خواست پیرمرد را در آغوش بگیرم و گریه کنم. به زحمت خودم را جمع و جور کردم و گفتم: ممنون آقا. چقدر باید تقدیم کنم. نگاه مهربانانه‌ای به من کرد و گفت. دویست تومان. باورم نمی شد. خودم را آماده کرده بودم که ۵ برابر این مبلغ را پرداخت کنم. هرچه پول داشتم جلویش گرفتم و گفتم: این که خیلی کم است. لطفا بیشتر بردارید. دویست تومان برداشت و گفت: خدا برکت بده. کافی است.

آن سال علیرغم امتحان خوبی که در کنکور دادم به خاطر اشتباهاتی که در اعلام نتایج کنکور رخ داد، در دانشگاه قبول نشدم. ولی یک سال بعد، در دانشگاه شیراز در رشته پزشکی پذیرفته شدم. آن کاپشن را در همه هفت سال دانشجوئی پوشیدم و چیزی که بیشتر از خود کاپشن مرا گرم می کرد، انسانیت پیرمردی بود که در "ساختمان پلاسکو" محبت به همنوع را به من آموخت.

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۸۳۲ یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی:

دولت روحانی جانی تازه به ایران بخشید



عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی گفت: باید به دولت روحانی اعتماد کرد زیرا روی کارآمدن این دولت و حاکم کردن اعتماد ملی، امید و جانی دوباره به کشور ایران در همه عرصه های داخلی و خارجی بخشید.

مرتضی سراجی در گفت وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: کشور ایران پیش از آغاز بکار دولت یازدهم از لحاظ ارتباطات به بدترین شرایط تاریخی خود رسیده و همه دلسوزان و دانایان نظام گوشه گیر شده بودند و بنیان های اخلاقی هر روز بیش از روزهای گذشته در معرض خطر قرار داشت.

وی اظهارکرد: فرار نخبگان از مملکت، فقدان تعهدات اخلاقی در زمینه پیمان ها و قراردادها از دیگر معضلاتی بود که در کشور رواج یافته بود.

رئیس حزب اعتماد ملی منطقه بوشهر گفت: در دولتهای نهم و دهم با وجود درآمدهایی که مطابق با یک قرن مقایسه می شود، کشور با بدهی های متعددی روبرو شد و نابسامانی ها و دیوار حاشا بیش از هر زمانی از طرف قدرتمندان قانون گریز گوش فلک را کر می کرد.

وی ادامه داد: طوری که غنی ترین کشور از نظر موهبت های خدادادی، کاسه گدایی و چه کنم خود را به در خانه هر ایران ستیزی به امید کمک دراز می کرد و بدطوری تحقیر شدیم، اما دولت یازدهم توانست نابسامانی های گذشته را که بیش از حد بود، از کشور بزداید.

سراجی گفت: در دولت کنونی متخصصان نظام همه دست به دست هم دادند و در مدت سه سال از کشوری که در بدترین شرایط قرار داشت آن را از تنش های جهانی دور و دستاوردهای بزرگی نصیب مملکت کردند که همچنان ادامه دارد.

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی افزود: هم اینک در معادلات جهانی بویژه دیپلماسی حرفی برای گفتن داریم و رویکرد جهان به کشور مثبت شده به گونه ای که بزرگترین شریک اقتصادی آن آلمان است.

وی اظهار کرد: در صحنه بین المللی با کشورهای بزرگ اقتصادی اروپا و آسیا نظیر کره جنوبی، ژاپن، روسیه، چین و هند تعاملات خوبی برقرار شده و در کنش منطقه ای نیز متحدان ایران روز به روز در همه سطوح در حال پیروزی هستند.

فرهنگ و «اردوگاه» سازی از جامعه

مصطفی مهرآیین



۱) جورجیو آگامبن، فیلسوف برجسته ایتالیایی، در مقاله تأثیرگذار خود با عنوان «آپاراتوس چیست؟» ریشه این مفهوم یعنی apparatus (دستگاه) و دیگر مفهوم نزدیک به آن یعنی dispositive (سامانه یا یک نظم اجتماعی مرکب از گفتار، کردار و مادی شدن ها که جامعه را به سویی متمایل می سازد) را به سه خاستگاه باز می گرداند که هر یک می کوشند به ما نشان دهند آپاراتوس، بویژه آپاراتوس فرهنگ، وظیفه «پر کردن انسان ها از طریق وارد کردن چیزی در آنها و فراخواندن آنها به پذیرش برخی موقعیت ها و هویت ها و تولید هویت های متفاوت انسانی در فرآیند سوژه سازی/شدن» را برعهده دارد. آگامبن معتقد بود خاستگاه این مفهوم را باید در اقتصاد الهیات مسیحیت، در تفسیر ژان هیپولیت بر هگل و در اندیشه های میشل فوکو جستجو کرد.

آگامبن می نویسد من در جستجوی ریشه های مفهوم آپاراتوس در اندیشه فوکو بودم که به دو خاستگاه بعدی رسیدم. او با نقل قطعه ای از آثار فوکو معتقد است فوکو آپاراتوس را چنین فهمیده است: «آنچه را که من سعی دارم از طریق این اصطلاح برجسته سازم بیش از هر چیز مجموعه ای کاملا ناهمگن است که در بردارنده ی گفتمان ها، نهادها، اشکال معماری، تصمیمات نظارتی، قوانین، تدابیر اداری و اجرایی، احکام علمی و موضوعات فلسفی، اخلاقی و بشردوستانه است- و به همین اندازه امور ذکر نشده دیگری را نیز شامل می شود. چنین اموری را می توان عناصر یک آپاراتوس دانست. آپاراتوس خود همان شبکه ای است که مابین این عناصر شکل می گیرد..... گفته ام که ماهیت یک آپاراتوس امری اساسا استراتژیک است، و این بدین معناست که ما در باب قسمی دستکاری آشکار مناسبات نیروها، نوعی مداخله انضمامی و عقلانی در مناسبات نیروها سخن می گوییم، چه به منظور بسط و گسترش آنها در جهتی خاص باشد، و چه برای سدکردن، تثبیت و بهره گرفتن از آن ها باشد. در نتیجه، آپاراتوس همیشه در قسمی بازی قدرت ثبت و حک می گردد، لیکن از سوی دیگر همیشه در پیوند با حدود خاصی از معرفت است که از آن پدید می آیند، در حالی که به همان اندازه آن را مقید و مشروط نیز می سازد.آپاراتوس دقیقا عبارت است از مجموعه ای از استراتژی های مرتبط با مناسبات نیروها که هم از طریق انواع خاصی از معرفت مورد تایید قرار می گیرد و هم موید آنها است».

فوکو در این عبارات نشان می دهد که مناسبات قدرت و نیروها در جامعه از طریق مجموعه ای از استراتژی های ایجابی از قبیل گفتمان، قانون، تدابیر اداری و اجرایی، احکام علمی، معارف فلسفی و....عملی و نهادینه می شود. اگر مساله کلیدی قدرت و نیروهای اجتماعی فرمان راندن بر جامعه و کنترل آن در همه ابعاد عینی و ذهنی اش است، این کار ممکن نمی شود جز از طریق مجموعه ای از راهکارهای ایجابی غیرملموس و پذیرفتنی و مشروع که فوکو مجموعه آنها را آپاراتوس می نامد. آگامبن پس از شرح این بخش از اندیشه فوکو به طرح این پرسش می پردازد که «فوکو این اصطلاح را از کجا یافته است؟» او می نویسد پاسخ این پرسش را در کتاب ژان هیپولیت به نام «درآمدی بر فلسفه تاریخ هگل» یافته است. به اعتقاد آگامبن، هیپولیت شخصی است که فوکو گاه آن را با نام «استاد من» یاد کرده است و نمی توان تاثیر او بر فوکو را نادیده گرفت. هیپولیت در سومین بخش شرح خود بر هگل ذیل عنوان «عقل و تاریخ: ایده هایی در باب ایجابیت و تقدیر» معتقد است دو مفهوم «روح مسیحیت و تقدیر آن» و «ایجابیت دین مسیحی» دو مفهوم کلیدی تفکر هگل هستند. به اعتقاد هگل اگر دین طبیعی و تقدیر شده مرتبط با رابطه ای بی واسطه و عام عقل بشری با امر الوهی است، دین ایجابی یا تاریخی مجموعه ای از باورها، قواعد و مناسک را در بر می گیرد که در جامعه ای خاص و طی دوره تاریخی معین از خارج بر افراد تحمیل می گردد. نتیجه بحث هیپولیت این است که اگر عقل کلی بخواهد خود را در قالب غنای انضمامی و عینی حیات به ما نشان دهد، عقل می بایست با پوزیتیویته یا «ایجابیت» آشتی کند و خود را از این طریق تحقق بخشد. پس پوزیتیویته یا ایجابیت نامی است که هگل جوان به «عنصر تاریخی» یعنی مجموعه ای از قواعد، مناسک، و نهادهایی می دهد که از طریق یک قدرت بیرونی بر فرد تحمیل می گردند، اما در قالب نظام هایی متشکل از باورها و احساسات درونی می شوند. به اعتقاد آگامبن فوکو این نکته را از هیپولیت گرفته و آن را در قالب «رابطه میان افراد به عنوان موجودات زنده و عنصر تاریخی به عنوان مجموعه ای از نهادها، فرآیندهای سوژه سازی و قواعد» مطرح ساخته است.

آگامبن در ادامه مقاله خود بار دیگر ریشه مفهوم آپاراتوس را در الهیات مسیحیت دنبال می کند. به باور آگامبن متالهان و متکلمان مسیحی همواره با این پرسش روبرو بودند که اگر خداوند قادر مطلق و آفریننده جهان و خانه و حیات خود است، او چگونه این جهان و خانه خود را اداره و مدیریت می کند؟ به عبارت دیگر مشیت خداوند یا oikonomia (ریشه واژه اقتصاد) چگونه در جهان محقق می شود؟ پاسخ متالهان آن بود که «خداوند به مسیح «اقتصاد» یا همان اداره کردن تاریخ و حکومت بر تاریخ بشری را واگذار کرده است و کلیسا چیزی جز دستگاه یا آپاراتوس مسیحیت برای اداره جهان و کنترل تاریخ نیست که عمل آن تنها از یک طریق ممکن می شود: خلق سوژه ها و سوژه سازی. کنش مدیریت جهان دارای هیچ بنیادی در وجود و هستی نیست و آپاراتوس خود باید آن بنیاد را بسازد و آن بنیاد چیزی نیست جز «سوژه ها». باید سوژه ها را ساخت تا مدیریت جهان ممکن شود. ادیان از طریق خلق سوژه های مورد تایید و نفرت خود جهان را مدیریت می کنند و مشیت خداوند متحقق می شود.

۲) با این حال، تحلیل آگامبن از خاستگاه های آپاراتوس و کارکرد آن در جامعه به این مباحث محدود نمی ماند و او می کوشد به ما نشان دهد که آپاراتوس در کنار هویت سازی و سوژه سازی و صدا زدن و دعوت انسان ها به پذیرش موقعیت ها و وضعیت های متفاوت اجتماعی، وظیفه خالی و تهی کردن انسانها از طریق فرآیند سوژه زدایی نیز برعهده دارد که سویه دیگری از امر سوژه سازی است. فرض کنید شما در خانه نشسته اید و قسمت سیصد و هفتاد و پنجم از سریالی ایرانی یا ترکیه ای را می بینید که به شما حس آموختن و یادگیری نیز القاء می کند و این تصور را در شما به وجود می آورد که اگر چه شما در حال دیدن یک سریال هستید اما این سریال ارزش دیدن و وقت گذاشتن را دارد. حال تصور کنید دوست شما به خانه شما می آید و در کنار شما می نشیند و از شما می پرسد قصه سریال چیست؟ شما تنها با گذاشتن چند دقیقه وقت قصه سریال را به او می گویید و او نیز از قسمت سیصد و هفتاد و پنجم در دیدن این سریال با شما همراه می شود. پرسش آگامبن از شما این است: اگر قصه سریالی که سیصد و هفتاد و پنج ساعت از عمر شما را به خود اختصاص داده است در چهار دقیقه قابل انتقال به دیگری است، چرا شما باید عمر خود را تلف این آثار کنید و تازه احساس کنید که در حال یادگیری چیزی نیز هستید و احتمالاً در حال آشنایی با فرهنگ روز جامعه خود یا جهان اید. آگامبن معتقد است اصولا همواره فرآیند سوژه سازی در زندگی اجتماعی همراه با سوژه زدایی از شما ممکن می شود: شما در ظاهر تبدیل به کسی می شوید اما عمیقاً از هر گونه «هستی» و «بودن» تهی می شوید. جامعه هر روز شما را به موقعیت های متفاوت فرا می خواند و شما احساس می کنید به زبان پیر بوردیو بر میزان «بودن» یا «سرمایه نمادین» خود افزوده اید، اما عملا شما از هر گونه «بودن» و «تجربه جهان و انسان» تهی می شوید و تبدیل به موجودات دست آموزی می شوید که تنها قادرید در نقش یک سیرک باز زندگی خود را تبدیل به سیرک زندگی کنید. آگامبن این نوع زندگی را حرکت در مسیر تبدیل جامعه به «اردوگاه» می داند از طریق سازوکار فرهنگ می داند.

جهازها و قایق های خلیج فارس

رضا طاهری

۱ـ سَماچ: سماچ یک نوع قایق ماهی‌گیری است و امروزه بر روی آن موتور می‌بندند و کارایی‌اش برای ماهی‌گیری است و تا حدود ۵ تن ماهی در آن می‌ریزند. سمک یا سمچ به معنای ماهی است.

۲ـ حُوری: حوری یک نوع قایق کوچک است که گونه‌های آن از یک تا ۱۰ نفر را با خود جابجا می‌کند. بیش‌تر از تنه‌های عظیم درختان و به صورت یک تکه می‌سازند و چون از این درختان و یا چوب‌ها وجود ندارد، حوری را از چند تکه چوب که به هم می‌بندند به وجود می‌آورند ظرفیت حوری کوچک ۱۰۰ و حوری بزرگ ۴۰۰ کیلو می‌باشد. در گذشته هر لنج ماهی‌گیری یا کشتی‌های باری یک حوری به همراه خود داشته است، حوری یک تکه سبک تر از کتراست و در زمان‌های مورد نیاز و نجات غریق زودتر از کتر آماده به دریا انداختن می‌شود. در زمانی که دریا آرام است و کسی به دریا افتاده است از حوری استفاده می‌کنند و اگر دریا ناآرام باشد از کتر و اگر طوفانی باشد از ماشوه.

۳ـ سَمعه: سمعه جهازی بود که در گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفت و برای نصب بادبان بسیار مناسب بود ولی برای قراردادن موتور به بدنه‌اش به کار نمی‌خورد.

۴ـ بتیل: بتیل یک نوع جهاز ماهی‌گیری است که در گذشته برای ماهی‌گیری از آن استفاده می‌شد.

۵ـ شُوعی: شوعی جهازهای کوچکی بودند که هم با بادبان حرکت می‌کردند و هم با پارو. از نوع شوعی امروزه هم وجود دارد ولی بر روی آن موتور گذاشته‌اند.

۶ـ کُتر: کتر قایق کوچکی است که گنجایش دو یا سه نفر را دارا می‌باشد در حقیقت قایق نفر بر مخصوص ناخداست، او را در زمان درخواست به کشتی یا ساحل می‌رساند. در قدیم لنج‌های بزرگ آن را همراه می‌بردند تا اگر یکی از خدمه به دریا سقوط کند به وسیله آن که وزن کمتری دارد و می‌شود به سرعت آن را از کشتی جدا و به دریا انداخت او را نجات دهند. قبلاً اگر جهاز کتر نداشت نِجار کشتی در حین مسافرت طولانی که معمولاً تا هندوستان ۲۰ روز طول می‌کشید یک کتر برای کشتی می‌ساخت.

۷ـ تَشاله: چونِ لنج آب‌خور زیادی دارد و نمی‌تواند کاملاً به ساحل برسد بیش‌تر بار لنج را با تشاله که می‌توانست تا نزدیک ساحل برود به مقصد می‌رسانده‌اند.

۸ـ ماشُوه: ماشوه (قایق‌نجات) را در زمان عادی یک وسیله نفربر یا بارکش است و جاشوها را از کنار ساحل به کشتی می‌برد، درگذشته با پارو حرکت می‌کرد ولی امروزه موتور کوچکی را روی آن قرار داده‌اند و همان کار گذشته را انجام می‌دهد، گنجایش ۱۵ نفر دارد و به هنگام طوفان و غرق لنج کارکنان کشتی داخل آن شده و خود را نجات می‌دهند.

۹ـ بَغَله: بغله به وسیله بادبان به‌حرکت درمی‌آمده است. از این جهت این نوع لنج را بغله گفته‌اند که سینه صدر یا راس آن گرد بوده است و قسمت پشت آن پهن‌تر، به بخش پشت آن تفر می‌گفته‌اند. در سینه بغله برآمدگی وجود دارد، چون سر پرنده‌ای (طوطی) که گویی درون بغله را می‌نگرد. بغله به کشتی‌های بزرگ گفته می‌شود و در عربی به معنای قاطر است و چون در دریا به سادگی و با سکان کشتی را حرکت می داده اند بغله نام‌گذاری کرده اند.

اعراب در بدو دریانوردی، کشتی‌های سکان دار ایرانی را به شتری با افسار تشبیه می‌کرده‌اند. بغله برای سفرهای دوردست در اقیانوس هند مورد استفاده قرار می‌گرفته است، می‌گویند از نظر شکل ظاهری فرق زیادی بین بغله و کوتی و غنچه نبوده است، ولی از جهت اندازه، بغله از همه بزرگ‌تر بوده بعد از آن کوتی و در آخر غنچه قرار داشته است. شمار جاشوهایی که در بغله کار می‌کردند کمینه ۳۰ نفر و بیشینه ۴۰ نفر بوده است. باربری بغله بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ تن بوده است. کالاهایی که با بغله حمل می‌شده است: از آبادان به بصره و کراچی خرما می‌بردند و از کراچی به براوه پنبه و از بَراوه به شهرهای هندوستان به آفریقا مَنقور کاپریل و نمک حمل می‌کردند. از آفریقا از بندرها سیمبارنگه / لامو و بمباسه چوب چَندَل می‌آوردند.

مدت مسافرت: زمان سفر بغله ۲ تا ۶ ماه بوده است. جاشوها و کارکنان بغله در راه سفر دشواری‌های بسیار داشتند و چه بسا در مسافرت‌های دریائی بر اثر ناخوشی‌های گوناگون و یا در رویدادهای گوناگون از قبیل طوفان و برخورد با کوه سنگ‌ها و یا حیوانات غول پیکردریائی از بین می‌رفتند.

۱۰ـ بَگاره : در بندر کنگان از بگاره زیاد استفاده می‌شده اَست این کشتی کوچک را دریانوردان کنگانی برای ماهی‌گیری با تور (جَل) استفاده می‌کرده‌اند که به آن عامله نیز می‌گفته‌اند. بیش‌تر صید عامله را حشینه تشکیل می‌داده است و تا کنون نیز صید حشینه به همین روش است. برخی از ماهی‌هایی که در بندر کنگان صید می‌شده‌اند عبارت‌اند از: عراضی، سبیتی، بتح، مفچیچ، سرخو، هامور، دوال، ینیس، یلی، متو، حشینه، کاهو، نی‌سر و پس‌کر، کوسه، شیر، دارو، ویر، حلوا، خارو، سچل، زبیدی، راشگو، صافی، هاگول ، هاسون و...

منبع: کتاب مروارید تا نفت



جنگ تمدنها

مبارزه بین جهل و عقلانیت

دکتر عباس حاتمی

بعضی وقت ها عقلانیت و آگاهی، یک جرم یا یک نفرین است. جامعه غیردمکراتیک تحمل دانستن را ندارد. شاید هم همیشه همین بوده است. زمان با دروغ و کینه و نفرت و خشونت پیش می رود و با ناآگاهی و جهل تقدیس و توجیه می گردد. در واقع کل تاریخ بشریت همین بوده و این مبارزه تاریخی بین جهل و عقلانیت همیشه بوده و هست و چون پرچمی برای مبارزه با جهل برافراشته نشده لذا حساسیت زا نبوده است. بنابراین با این که در طول تاریخ مبارزه بین جهل و آگاهی جریان داشته ولی انقلابی برای تغییر آن اتفاق نیفتاده است. انقلاب در مفاهیم، ارزش ها و عقلانیت...

پس همیشه تاریخ مبارزه بین جهل و آگاهی بوده و هست نه مبارزه بین طبقه کارگر و کارفرما (مبارزه طبقاتی) و نه تولید بیشتر و انباشت ثروت و نه تز و آنتی تز و حتی نه قانون طبیعت... لذا با این همه مجازات حتی قوانین طبیعت هم نتوانسته اند در مقابل قدرت جهل و سوءاستفاده از جهل کاری را



از پیش ببرند و زندگی با تمامی تناقضاتی که در درون خود داشته با جنگ و خونریزی ادامه پیدا کرده است. یک عده حاکم بوده اند و یک عده محکوم، یک عده ارباب بوده اند و یک عده برده و جالب اینکه هر دو گروه یک اندازه مقصر هستند چرا که نه بردگی یک سرنوشت است و نه اربابی یک سرشت، بلکه هر دو یک انتخاب هستند و این خود فرد هست که انتخاب می کند برده بماند و یا با آن مبارزه کند...

سؤال این است که این پارادوکس تا کی ادامه پیدا خواهد داشت؟ آیا ما یعنی کل بشریت نیاز به انقلابی عظیم و بنیادین در دانسته ها و تعریف ها و مفاهیم کلیشه ای و بخصوص در ارزش های خود نداریم؟ بشریت تا کی می خواهد این دور تسلسل باطل و بیهوده را تکرار کند... درسته ما همه به یک انقلاب درونی نیاز داریم. امروزه جنگ تمدن ها بین اسلام و مسیحیت نیست بلکه بین "جهل" و "عقلانیت" است که جامعه رابه دوقطبی"جاهل" و "عاقل" تقسیم کرده است. مدارس، دانشگاهها، رسانه ها و نخبگان فکری نقش پررنگی در جهل زدایی و رشد عقلانیت دارند.

جای خالی ۹۰ مهارتی اجتماعی

دکتر حسین اسکندری
عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس



سال ۸۳ که برای تکمیل دوره دکتری به یکی از دانشگاه های ژاپن در جزیره کیوشو رفته بودم در اوایل اقامتم متوجه یک برنامه تلویزیونی از شبکه محلی شهر محل اقامتمان شدم که شبیه به برنامه نود آقای فردوسی پور بود؛ بعد از تمرکز به برنامه متوجه شدم داستان در مورد شکسته شدن پای دختر بچه ژاپنی بوده که وقتی با مادرش در حال ورود به فروشگاه بزرگی بوده به دلیل ماندن پایش لای درب اتوماتیک فروشگاه شکسته شده بود و حالا برنامه ای با حضور مادر و کارشناسان شرکتی که درب را ساخته بودند و چند نفر دیگر از شاهدان



و ... و استفاده از فیلم های دوربین های مدار بسته و انیمیشن سازی برای شبیه سازی چگونگی حادثه به کنکاش و به عبارتی شفاف سازی و آموزش غیرمستقیم چگونگی رخداد حادثه برای شهروندان پرداختند.

این خاطره را که در کنار حوادث بی شمار پر تلفات و فجیع سال‌های گذشته و حال جامعه می گذارم، دلم بدرد می آید از اینکه چقدر راحت و بی خیال مسئولین و مردم از کنار این همه فقدان سرمایه های اجتماعی به راحتی می گذریم و روزی دیگر حادثه مشابهی دیگر عزیزی یا عزیزان ارزشمند دیگری را از ما می گیرد.

ای کاش به همان میزان که گرفتن خطایی در فوتبال برای ما این همه ارزش سرمایه گذاری و برنامه ریزی و برنامه سازی در برنامه نود را دارد، کنکاش و روشنگری در خطاهایی که به بهای از دست رفتن سرمایه های اجتماعی انسانی مان را دارد برنامه های آموزشی مهارتی اجتماعی می ساختیم. شک نکنید که اگر فکر بکری به حال این ناهنجاری ها و نابسامانی ها نکنیم دیر یا زود دامن همه را خواهد گرفت که شاید دیگر دیر باشد.

بازگشت به روحیه جمع گرایی

رسول هاشمی: وقایعی مثل حادثه پلاسکو و تشییع جنازه آیت اله هاشمی رفسنجانی، موجب می شود مردم از فردگرایی مفرط و عذاب آوری که در کلان شهری مثل تهران وجود دارد خارج شوند و با حضور در اجتماعات، به نوعی بازگشت به روحیه جمع گرایی را تجربه کنند. این روحیه جمع گرایی از ویژگی های اخلاقی ماست که با چاشنی احساسات و کمک به همنوع توأم است و باید به فال نیک گرفت هر چند بدون ریسک هم نیست.

نسیم جنوب
۶
اجتماعی
شماره ۸۳۲ یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

علی اصغر فرخ زاده از پیشکسوتان و بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

معلمان، کمبودها و نارسایی های محیط های آموزشی را برای آموزش دانش آموزان، تحمل می کنند

– لطفا خود را معرفی کنید؟
– علی اصغر فرخ زاده بوشهری هستم متولد بوشهر سال ۱۳۲۹ و تحصیلاتم کارشناسی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی می باشد و حدودا ۳۶ سال در آموزش و پرورش در خدمت دانش آموزان بودم.
– دوران دانش آموزی را در چه مدارسی گذراندید؟
– من دوران تحصیلی دبستانم را در مدرسه گلستان بوشهر گذرانده ام که سالها برادرانم و خواهرم همه در آنجا تدریس می کردند و معلم آنجا بودند و خانواده فرهنگی هستیم و دوران دبیرستان را در دبیرستان ماندگار سعادت بودم و دانش آموز آن مدرسه بودم.
– از چه سالی به شغل مقدس معلمی مشغول شدید؟
– قبل از انقلاب سال ۵۳ به استخدام آموزش و پرورش درآمدم و ماموریتم به روستای بنک در شهرستان کنگان بود و بعد از سه سال به بوشهر منتقل شدم و در یکی از دبستان های بوشهر تدریس کردم و در سال ۵۵ برای ادامه تحصیل به کشور هند رفتم و بعد از تحصیلم در دبیرستان های بوشهر مشغول به کار شدم.
– اولین بار در چه مقطعی تدریس کردید؟
– من اولین بار که به استخدام آموزش و پرورش درآمدم با مدرک دیپلم بودم و در دبستان شروع به کار کردم.
– چه مراحلی را در طی تدریس، طی نمودید؟
– بعد از اینکه دو یا سه سال در روستای بنک از شهرستان کنگان در سال ۱۳۵۳ کار کردم، تصمیم گرفتم به ادامه تحصیل به هند بروم و ۴ سال مرخصی گرفتم و درسم را در رشته علوم سیاسی در کشور هند خواندم و بعد از برگشتم از هند در دبیرستان آزادی و نمونه امام و دبیرستان شاهد کار کردم و بعد از کارشناسی ارشد در دانشگاههای فرهنگیان و دانشگاه فنی الزهرا و مرکز علمی و کاربردی فرهنگ و هنر و پیام نور مشغول به تدریس شدم. مدت ۱۵ سال به عنوان سرگروه علوم اجتماعی و اقتصاد استان در خدمت عزیزان در آموزش و پرورش بودم و سال ۹۲ بعد از سی و پنج سال خدمت بازنشسته شدم، ولی تاکنون در کارم و تدریسم در مراکز دانشگاهی به صورت ساعتی تدریس می کنم.
– وظیفه معلمان در قبال دانش آموزان چیست؟ و به نظرتان آیا معلمان به وظایف خود به درستی عمل می کنند؟
– معلمی شغل که نه، بلکه هنر است همان جور که شهید رجایی فرمودند (معلمی هنر است) و دانش آموزان به عنوان امانت به دست ما سپرده شده اند و وظیفه ما در کلاس این است که آنچه را که اطلاع داریم به دانش آموزان مان صادقانه انتقال دهیم. رابطه معلم و دانش آموز رابطه فرزندی با پدر و مادر است و محیطی پر از مهر و وفا و صداقت و دوستی است. در تمام سالهای خدمتم تلاش کردم که با دانش آموزان خود و دانشجویانم روابط بسیار حسنه همراه با احترام داشته باشم. و به همین خاطر بعد از بازنشستگی به صورت ساعتی در خدمت دانش آموزان عزیز می باشم.
– بعد از بازنشستگی به چه کاری مشغول هستید؟
– من هیچ کاری جز آموزش دوست ندارم بعد از بازنشستگی به هیچ شغلی روی نیاوردم زیرا معلمی را دوست داشتم و الان هم که در خدمت دانش آموزان هستم و در مراکز مختلف آموزشی مشغول به تدریس هستم و مطالعه می کنم.
– تفاوت نسل قدیم و جدید را در چه می بینید؟
– به طبع نوجوانان نسل جدید با نسل قدیم تفاوت هایی دارند. دانش آموزان به طرق مختلف مهارت هایی دارند که در گذشته وجود نداشت، تکنولوژی امروز مثل شبکه های اجتماعی، کامپیوتر و غیره. دانش آموزان امروز انتظار می رود که نسبت به ارزش ها و هنجارهای جامعه در کنار این پیشرفت ها بیشتر رعایت کنند. وظیفه ما معلمان این است که در جامعه پذیرکردن این عزیزان مطابق با ملاک ها و معیارهای فرهنگی ایرانی اسلامی به آنها آموزش دهیم.
– آیا از هم دوره ای های خود اطلاع و ارتباطی با آن ها دارید؟
– خوشبختانه در استان ما کانون بازنشستگان آموزش و پرورش تأسیس شده که آقای بازدار با همکاران محترم شان، فضایی آماده نموده اند که معلمان بازنشسته در ارتباط با یکدیگر قرار می گیرند. فعالیت هایی مانند اردوها، بازدیدها و نشست های فرهنگی و دیدار همکاران بیمار و برنامه های فرهنگی تفریحی دیگری را مهیا کرده اند که از آن ها همین جا تقدیر و تشکر می کنم. و قرار است که به زودی اردوی علمی فرهنگی عسلویه انجام شود.
– نظرتان در مورد شغل معلمی بیان کنید؟
– من شغل معلمی را بسیار دوست دارم و روزها و خاطره های بسیار خوش از شغل معلمی دارم. هر چند که شغل ما مشکلات خاص خود را دارد اما مشکلات را همیشه نادیده گرفته ایم و به دانش آموزان مثل فرزندان خودمان نگاه کرده ایم. کمبودها و نارسایی های محیط های آموزشی را در مقابل این امانات ارزشمند به جان خریده ایم و تحمل کرده ایم.
– اگر دوباره به روزهای جوانی برگردید دوباره همین راه را انتخاب می کنید؟
– مسلما همین راه را انتخاب می کنم ولی با نگرش های دیگری، امروز وسایل و روشهای آموزشی نوین در کشورهای پیشرفته که عامل پیشرفت شان نیز می باشد رایج شده است. ما معلمان باید امروز از روشهای نوین و پیشرفته در آموزش استفاده کنیم. در گذشته محیط های آموزشی ما مناسب با این نوع روشهای جدید سازگار نبوده است، خوشبختانه امروزه در اکثر شهرستان و مناطق استان وسایل کمک آموزشی (تکنولوژی آموزشی) مهیا شده است و معلمان باید خود را با روش ها و تکنیک های جدید آموزشی آشنا کنند و زمینه های رشد فعالیت و بالندگی کشورمان را آماده نمایند. مسلما من معلمی را بهترین راه می دانم و امروز که بازنشسته هستم باز هم در خدمت دانش آموزان هستم و با انرژی بیشتر از گذشته مشغول تدریس هستم. انگیزه و علاقه عامل مهم برای فعالیت فرد می باشد. من این شغل را چون علاقه دارم در جست و جوی روشها و تکنیک های آموزشی روز هستم و فیلم ها و مطالبی که در کشورهای پیشرفته در نظام های آموزشی بکار گرفته اند مطالعه و مشاهده می کنم و حاصل کار خود را در کلاس ها پیاده می کنم. انشا الله که مورد قبول باشد.
– پیشنهاد شما برای نظام آموزشی پویاتر چیست؟
– مسلما برای داشتن آموزش و پرورش پویا در ایران دانشگاه فرهنگیان تأسیس شده است که این دانشجویان در مدت چهار سال مطالب و کتاب هایی بررسی می کنند که در محیط آموزشی آینده برای آن ها بسیار مفید است، هر چند که وضعیت حقوقی و رفاهی معلمان در مقابل مشکلات جامعه فراوان است و معلم نباید دغدغه های مادی داشته باشد زیرا از پژوهش و تفحص باز می ماند. معلم پویا باید وقت و فرصت مطالعه و تحقیق داشته باشد. نه این که در فکر رفع مشکلات فراوان مادی خود باشد. خوب است بدانیم که بازنشستگان مشکلاتی دارند معلمان نسل امروز به امید بازنشسته شدن و رفاه در آینده، کار و تلاش می کنند. بنابراین انتظار می رود که در هنگام بازنشستگی در رفاه باشند و نه دنبال شغل دوم. به طور مثال بازنشستگان در این موقع فرزندانشان به سن ازدواج و یا شغل رسیدند نیاز دارند که بتوانند از بچه های خود حمایت کنند که متاسفانه بطور کامل مقدور نیست.
– وقتی حکم بازنشستگی تان را دریافت کردید، چه حسی داشتید؟



– وقتی حکم بازنشستگی خود را دریافت کردم بسیار متأسف شدم و تقاضای ادامه کار دادم و ۵ سال اضافه بر ۳۰ سال، کار خود را ادامه دادم به هر حال دوران بازنشستگی بعد از ۳۵ سال کار و عادت و ارتباط با دانش آموز و همکاران بزرگوار جدایی بسیار مشکل است فرصت هایی از دست می رود، جایگاهی کم می شود که خود موجب تأسف می شود. مسلما بازنشستگان باید بتوانند در زمان بازنشستگی در ارتباط با دیگران و محیط های اجتماعی باشند و از گوشه گیری و تنهایی بپرهیزند تا سلامتی خود را حفظ کنند.
– بازنشستگی را در یک جمله توصیف کنید؟
– من هنوز با مدرسه و محیط های دانشگاه ارتباط دارم به هر حال ما تا آن جایی که برایمان مقدور است بازنشستگی را زمان تعامل با دیگران و بخصوص اعضای خانواده بیشتر برقرار کنیم و از مطالعه و تحقیق هم دور نمانیم.
– به عنوان یک بازنشسته چه انتظاری از صندوق بازنشستگی کشوری دارید؟
– از صندوق بازنشستگی کشور انتظار داریم بیمه ها با توجه به این که در سن بازنشستگی، بیماری ها و مشکلات روحی – روانی افزایش پیدا می کند حمایت بیشتری داشته باشند مسافرت ها، بازدیدها و حقوق بازنشستگان را افزایش دهند چنان چه در کشورهای پیشرفته نیز چنین است.
– حرف پایانی؟
– همکاران محترم، بازنشستگی را دورانی خوب و خوش ارزیابی کنیم روحیه و انرژی مثبت در خود را تقویت کنیم و ورزش در کنار فعالیت های دیگر هرگز فراموش نکنیم و با دوستان مان از طرق مختلف ارتباط داشته باشیم. تا این دوران به خوشی و سلامتی سپری شود.

تقدیر ازهنرمند بوشهری در جشنواره عکس انگلستان



سعید عرب زاده، مدرس و مسئول بخش عکس انجمن سینمای جوان استان بوشهر در monoawards ۲۰۱۶ انگلستان شایسته تقدیر شناخته شد.
سعید عرب زاده هنرمند بوشهری دارنده نشان آرتیست فدراسیون بین المللی هنرعکاسی، مدرس و مسئول بخش عکس انجمن سینمای جوان استان بوشهر توانست نشان شایسته تقدیر در بخش حرفه ای چشم انداز در جشنواره بین المللی عکس monoawards ۲۰۱۶ را کسب کند.
در این مسابقه بین المللی عکس بیش از ۷۰۰۰ عکس از ۸۶ کشور جهان در دو بخش حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای حضور داشتند که شامل بخش‌های خبری، مردم، مفهومی، معماری، چشم انداز، طبیعت، حیات وحش و پرتره بود. گفتنی است هیأت داوران این مسابقه متشکل از مسئولان، سردبیران عکس، گالری داران، مدیران هنری و دیگر مشاهیر جامعه عکاسی بین‌المللی است.



گزارش استاندار بوشهر از سفر وزیر راه و شهرسازی به استان بوشهر

استاندار بوشهر گزارشی از سفر و دست آوردهای سفر دکتر آخوندی وزیر راه و شهرسازی را برای اطلاع مردم در صفحه شخصی خود در فیسبوک منتشر نمود. متن گزارش دکتر سالاری را می خوانید:
سلام، گزارش سفر وزیر محترم راه و شهرسازی را خدمت هم استانی های عزیز، ارائه می دهم:
پنجشنبه، حدود ساعت ۹ صبح، دکتر آخوندی و ۴ نفر از معاونین ایشان، وارد استان و در فرودگاه بوشهر از آنان استقبال کردیم.

افتتاح ساختمان دانشکده هنر و معماری دانشگاه خلیج‌فارس

برای شرکت در مراسم افتتاح رسمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بلافاصله عازم آن دانشکده در بافت تاریخی بوشهر شدیم. در این مراسم مدیرکل راه و شهرسازی و رییس دانشگاه خلیج‌فارس ضمن خوشامدگویی، در سخنانی پیشنهاداتی را مطرح کردند. در ادامه بنده هم در سخنانی، ضمن ابراز قدردانی از مهندس تبادار که ایده، طراحی و تخصیص اراضی این پروژه مربوط به ایشان و دوره استانداری اشان بوده، و جناب آقای افراشته که عملیات اجرایی پروژه توسط و در دوره استانداری ایشان شروع شده، و همچنین از حمایت های دکتر آخوندی، دکتر ایزدی معاون ایشان، مدیران قبلی و فعلی راه و شهرسازی و همچنین میراث فرهنگی استان، تشکر نمودم.
همچنین از دکتر شریعتی معاون وزیر علوم که در مراسم حضور داشتند، خواستم برای افزایش رشته ها و ظرفیت پذیرش دانشجویان دانشگاه خلیج‌فارس، همکاری نمایند. از همکاری وزارت راه، به لحاظ این که هم اکنون از بیش از ۲۵ پروژه راهسازی فعال را در استان حمایت می کنند، نیز مختصرا قدردانی ولی توضیح درباره آنها را به بازدیدهای وزیر در طول سفر واگذار نمودم.
دکتر آخوندی نیز، در سخنان خود با خرید اراضی پیرامون دانشکده با واگذاری زمین معوض به مالکین و الحاق آنها به طرح توسعه دانشکده موافقت نمودند. همچنین قول دادند در راستای تکمیل فاز ۲ دانشکده، تسریع شود.

مرمت و اختصاص عمارت حاج رئیس به دانشکده کسب و کار (business school)

در ادامه برنامه سفر، ضمن بازدید از بافت قدیم و از جمله عمارت حاج رییس، با دستور وزیر مقرر شد بنای تاریخی حاج رییس با حدود ۲۰۰۰ مترمربع زمین، که تحت مالکیت سازمان بنادر است، به استان واگذار و به احتمال قوی، ضمن مرمت کامل توسط سازمان بنادر که حدود ۱۰ میلیارد هزینه دارد، دانشکده کسب و کار توسط دانشگاه خلیج‌فارس در آنجا ایجاد و دانشجویان در آن مستقر شوند.

بازدید از پروژه احداث بندر جدید بوشهر در جزیره نگین

در ادامه وارد محوطه بندر شدیم. با یک شناور، به جزیره نگین رفتیم و دکتر آخوندی در جریان آخرین وضعیت و پیشرفت پروژه احداث ۲ پست اسکله در جزیره نگین قرار گرفتند. سرمایه گذار قول دادند این دو پست اسکله، شهریور ماه سال آینده به بهره‌برداری برسد. با این اتفاق و انتقال تدریجی کل بندر بوشهر به جزیره نگین طی سنوات آتی، تردد کامیونها از خیابانهای اصلی شهر، پایان می یابد و بندر فعلی و کاربری اسکله‌های فعلی تدریجا می تواند به مسافری و توریستی تغییر یابد. دسترسی اسکله های نگین هم از خروجی جدید بوشهر که به عنوان تصمیم سفر رییس‌جمهور با ۱۶۰ میلیارد تومان اعتبار با سرعت خوبی در دست اجراست، بدون ورود به شهر، تامین می شود. بعد از نماز و ناهار، حدود ساعت ۳ بعدازظهر، عازم بازدید از پروژه های راهسازی استان شدیم. در مسیر، ضمن توقف یا عبوری از پروژه‌های مختلفی، بازدید و راجع به آنها با وزیر مذاکره و توافقاتی شد.

خروجی دوم بوشهر

خروجی دوم بوشهر در شش قطعه در دست اجراست. سه قطعه که تقاطع غیرهمسطح چغادک را از سه راه به چهارراه تبدیل و با احداث جاده جدید به طول ۱۱ کیلومتر، جاده بوشهر – شیف – ریگ – گناوه را با احداث تقاطع غیرهمسطح قطع می کند و سپس با عبور از روی دریا، از مسیر جزیره عباسک، ضمن تأمین دسترسی بندر جدید نگین، از جزیره صدف عبور می کند و با احداث پل بر خور سلطانی، وارد بزرگراه امام علی (ع) می شود.
سه قطعه نیز، سه راه گزبلند را با پیش‌بینی یک تقاطع غیرهمسطح به چهارراه تبدیل و به طول ۲۴ کیلومتر، روبروی جزیره شیف به جاده ساحلی شیف – گناوه وصل می کند که از آن طریق به محور چغادک – عباسک وصل می شود. خوشبختانه هر شش قطعه خشکی فعالند و پل ها در مراحل نهایی طراحی هستند.

راه آهن بوشهر شیراز

پیرو مذاکرات قبل، و با توجه به تامین دو پیش نیاز اصلی لزوم شروع عملیات اجرایی پروژه راه آهن بوشهر شیراز، در سفر دکتر نوبخت به استان (تأمین قطعی ۱۵ درصد کل اعتبار و هزینه اجرا برای تأمین مالی مابقی از طریق فاینانس و اصلاح طول مسیر در پیوست قانون بودجه از طریق کمیسیون ۲۱۵)، دکتر آخوندی موافقت نمودند مذاکره با مؤسسات و بانک های فاینانسور را با اولویت پیگیری و استان نیز به موازات مذاکراتی با آن نوع مؤسسات با هماهنگی وزارت راه شروع نماید.

راه خورموج – لاور – دشت پلنگ

حدود ساعت ۴ و نیم، پس از استقبال فرماندار و مسئولین شهرستان دشتی، به اتفاق دکتر شهریاری (نماینده دشتی و تنگستان)، ضمن بازدید از مسیر خورموج – لاور – دشت پلنگ، مذاکراتی با وزیر به عمل آمد و مقرر شد پس از برآورد اعتبار مورد نیاز، وزارت راه به اجرای پروژه، مساعدت نماید.

راه بوالخیر به زایرعباسی

طی مسیر، در خصوص راه بوالخیر به زایرعباسی مذاکره شد. گرچه امسال از محل اعتبارات استانی با تصویب کمیته برنامه‌ریزی شهرستان، اعتباراتی به این پروژه اختصاص یافته، ولی مقرر شد درخواست دکتر شهریاری و مهرجو (فرماندار دشتی) در نشست جمع بندی سفر (شب)، بررسی و تصمیم گیری شود.

بزرگراه دیر – بوشهر

به لحاظ این که تأمین مالی پروژه بزرگراه دیر – بوشهر، صددرصد با وزارت نفت است، ضرورتی برای بازدید نبود ولی در مسیر، برای پرداخت بخشی از بدهی پروژه بر مبنای موافقتنامه استانی، از طریق اوراق مشارکت و همچنین صدور مجوز کمیسیون ۲۱۵ و تعیین ردیف بودجه ملی برای آن، طرح موضوع و تصمیم وزیر موکول به نشست جمع بندی پایان سفر شد.

بزرگراه اهرم – برازجان

حوالی ساعت ۶ غروب، ضمن استقبال فرماندار و مسئولین شهرستان تنگستان از وزیر در ورودی شهر اهرم، از پروژه بزرگراه اهرم – برازجان بازدید شد. پروژه فعال بود. در سفر معاون رئیس جمهور و طبق قول دکتر نوبخت، مقرر شده باقیمانده اعتبارات مصوب سفر دکتر روحانی، شامل ۸۵ میلیارد تومان برای محور اهرم – برازجان – گناوه – دیلم ، پرداخت شود لذا مطالبه خاص و جدیدی در خصوص این پروژه، طرح نشد.

راه پل نمازگاه به ارم

حدود ساعت ۶ و ۴۵ دقیقه شب، بنا به پیشنهاد آقای سعادت (نماینده دشتستان)، از مسیر راه پل نمازگاه به ارم بازدید شد. بررسی مجوز کمیسیون ۲۱۵ و در نتیجه ردیف ملی بودجه‌ای برای این پروژه، مقرر شد در نشست جمع بندی پایان سفر تصمیم گیری شود.

تقاطع غیرهمسطح برازجان از سمت شیراز

گرچه طراحی پروژه تقاطع غیرهمسطح برازجان از سمت شیراز، انجام و مناقصه انتخاب پیمانکار برگزار شده و با اعتبارات استانی انجام خواهد شد، ولی توقف و بازدیدی حدود ساعت ۷ و ربع از محل اجرای این پروژه به عمل آمد، و برای حمایت از این پروژه توافق به عمل آمد و مقرر شد در نشست جمع بندی پایان سفر لحاظ شود.

دهکده گردشگری دریایی بوشهر

بازدید مختصری در حد توقف چند دقیقه ای و عبوری از دهکده گردشگری دریایی بوشهر به عمل آمد تا هماهنگی اجرای طرح های توسعه آن در سنوات آتی از منظر اراضی دولتی محدوده، فراهم شود.

گزارش و پیگیری یا مذاکره پروژه ها به تفکیک شهرستان

به تفکیک شهرستان، در مورد پروژه های زیر، ارایه گزارش و پیگیری یا مذاکره شد؛
– عسلویه؛ بزرگراه راه عسلویه – لنگه، مناقصه ۷ کیلومتر باقیمانده (مابقی در دست اجراست)، اسکله های عسلویه و نخل تقی.
– شهرستان جم؛ ۱. راه ریز – سرچشمه – باغان، پیرو وعده داده شده به مسئولین شهرهای ریز و انارستان، به عنوان اولویت تاکید شد. البته با اعتبارات استانی شروع می شود. ۲. برگزاری مناقصه بزرگراه جم به فیروزآباد (بخش واقع در استان)، توسط شرکت ساخت و تقاطع غیرهمسطح مربوطه. ۳. تکمیل و بهره‌برداری از راه ریز – چاهگاه – شنبه با تخصیص حداقل ۱۵ میلیارد تومان. ۴.بهسازی و ارتقا راه ریز و انارستان به دوراهک.
– شهرستان کنگان؛ ۱. بررسی آخرین وضعیت کمربندی کنگان برای افتتاح تا پایان سال. ۲. شروع عملیات اجرایی جاده وفاق (ساحلی دیر – کنگان) که مناقصه انتخاب پیمانکار آن را برگزار کرده‌ایم و تا پایان سال شروع می شود. ۳. احداث بندر جدید ترجیحا توسط بخش خصوصی و حمایت وزارت نفت به عنوان معوض پناهگاه و اسکله روستاهای جابجا شده توسط وزارت نفت.
– شهرستان دیر؛ ۱. بزرگراه دیر بوشهر که اشاره شد. ۲. جاده وفاق که بدان پرداختم. ۳. جاده میانی که با اعتبارات استانی در شرف تکمیل است. ۴. کمربندی کنگان که بخشی در شهرستان دیر واقع است و بدان پرداختم.
– شهرستان دشتی؛ ۱. جاده خورموج – باغان – دشت پلنگ که حین بازدید بحث شد. ۲. راه بوالخیر – زایر عباسی که امسال با اعتبارات استانی شروع می شود و بدان پرداختم. ۳. بزرگراه دیر – بوشهر که از این شهرستان نیز می گذرد. ۴. ادامه تعریض راه ناصری به شنبه، که در امتداد ریز –سرچشمه –باغان است.
– شهرستان تنگستان؛ ۱. بزرگراه اهرم –برازجان که بازدید شد، مردم اهرم بر محور عبوری از وسط شهر تاکید دارند که در خصوص مطالعه و طراحی آن برای انتخاب راهکار اقدام می شود. ۲. بزرگراه دیر – بوشهر نیز از این شهرستان می گذرد. ۳. ادامه اجرای راه اهرم – فراشبند که به عنوان اولویت مطرح شد.
– شهرستان دشتستان؛ ۱. بزرگراه اهرم – برازجان. ۲. تقاطع غیرهمسطح برازجان ورودی از سمت شیراز که بازدید و اشاره شد. ۳. تبدیل محور دالکی – کنارتخته به چهارخطه که پیمانکار شرکت ساخت در دست اجرا دارد و بر سرعت آن تاکید دارد. ۴. تقاطع غیرهمسطح گزبلند و اتصال به جاده شیف – گناوه که تقاطع در مرحله مناقصه و مسیر در دست اجراست و بدان اشاره شد. ۵. راه خشت – گناوه هم در مرحله طراحی است. ۶. بهسازی و ارتقا راه پل نمازگاه به ارم که امسال با اعتبارات استانی شروع می شود.
– شهرستان گناوه؛ ۱. بزرگراه گناوه – دیلم، به عنوان مهمترین پروژه بزرگراهی استان که در مراحل نهایی اجراست و با تخصیص باقیمانده اعتبارات مصوب سفر دکتر روحانی، مشکلی نخواهد داشت. ۲. بزرگراه گناوه – برازجان که آخرین بخش اصلی آن، دهه فجر پارسال توسط رییس‌جمهور محترم، بصورت ویدئو کنفرانسی افتتاح شد و فقط ۳-۴ کیلومتری باقیمانده است. ۳. راه گناوه – گچساران که با تاکید استان، با مشخصات بزرگراهی اجرا می شود و جاده فرعی اختصاصی نفت به چهارخطه غیر اختصاصی تبدیل می‌شود و با اعتبارات نفت توسط راه استان در دست اجراست و مشکل اعتباری ندارد . ۴. راه گناوه به میشان که توسط شرکت ساخت در دست اجراست. ۵. راه ساحلی جدید ریگ – گناوه، که با اعتبارات استانی شروع شده و حاج آقا خدری (نماینده بوشهر، گناوه و دیلم) از وزیر نفت، دکتر نوبخت و دکتر آخوندی در سفرهایشان به استان، پیگیر اخذ اعتبار آن بوده‌اند و با حصول نتیجه و وصول اعتبار، سرعت خواهد یافت. ۶. توسعه بندر گناوه که در شرف تصویب نهایی است و در کوتاه مدت شروع می شود. به عبارتی، گناوه با پیش بینی سه دسترسی بزرگراهی به دیلم، برازجان و گچساران، و دو محور جاده اصلی به ریگ و میشان، مورد توجه جدی و خاصی بوده است و با لحاظ طرح توسعه بندر گناوه، که در مراحل نهایی تدوین و تصویب است و در کوتاه مدت اجرای آن شروع می شود، گناوه با برنامه های ۳ سال اخیر دولت، شدیدا متحول خواهد شد.
– شهرستان دیلم؛ ۱. بزرگراه گناوه – دیلم که اشاره شد. ۲. اتصال راه گوره گچساران به بندر امام حسن که طرح و پیشنهاد شد و البته طراحی آن با اعتبارات استانی شروع می شود. ۳. توسعه و لایروبی بندر دیلم.
علی ایحال، جلسه جمع بندی با مرور پروژه های راهسازی توسط مهندس رستمی (مدیرکل راه و شهرسازی استان)، حدود ساعت ۹ و ربع شب شروع شد. در سخنانی به دکتر آخوندی پیشنهاد نمودم یکایک پیشنهادات استان توسط اینجانب طرح و پس از اظهارنظر اعضا و نظرات تکمیلی نمایندگان مردم، دکتر آخوندی تصمیم گیری نمایند. پس از صحبت های اینجانب، نمایندگان صحبت کردند. یکی از صحبت ها طولانی شد و فقط ۱۳ دقیقه برای وزیر وقت ماند چون بایستی به پرواز هم می رسیدند. لذا بجز چند مورد تصمیم که در مسیر با وزیر توافق کردیم و ۳ مورد که در جلسه موافقت نمودند، بنظر به دلیل کمبود وقت، مابقی پیشنهادات به جلسه ای اختصاصی موکول شد و از بنده دعوت کردند در تهران با حضور معاونین ایشان و بالاخص معاون برنامه‌ریزی ایشان، نشستی داشته باشیم و در خصوص مابقی پیشنهادات استان بالاخص پروژه راه آهن، تصمیمات اتخاذ و اجرایی شود.
مصطفی سالاری ۹۵/۱۱/۱

زورافزایی های ممنوعه دوپینگ در ورزش

فرخ روزبهی

واژه زورافزایی که توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برابر و همسنگ اصطلاح بین المللی دوپینگ dophing تصویب شده است، جنجالی ترین و شوم ترین مصائب ورزش روزگار ما را طرح می کند. اگرچه دوپینگ با وضعیت یک قرن اخیرش را می توان پدیده یی مدرن خواند، اما مصرف معجون های جادویی و مواد نیروزا در ورزش سابقه یی کهن دارد.
نوشته های هومر درباره ی مصرف قارچ های غنی از پروتئین و دانه های کنجد، توسط ورزشکاران یونان باستان موارد ثبت شده در روم باستان از ارابه را نانی که اسب های شان را با خوراندن معجون هایی خاص، تیزروتر می کردند. پیشنهاد و تهیه عوامل تغذیه یی از سوی متخصصان یونان باستان (=متخصصان پزشکی ورزشی این عصر) به ورزشکاران، تهیه نان هایی با خواص ضد درد، مصرف پی در پی کولا (مربوط به درخت کولا و دانه های آجیل مانند آن که حاوی کافئین... هستند) در طول رقابت های پیاده روی و دو در آفریقای غربی، استفاده ورزشکاران فرانسوی از برگ های کوکایین و نوشابه و ین ماریام، که معتقد بودند خستگی و تشنگی را از بین می برد، تنها نمونه هایی از گرایش به مصرف این مواد از روزگاران قدیم تا به امروز هستند.
چند پیشنهاد درباره ی منشاء کلمه دوپینگ هست. واژه دوپینگ مشتق از زبان آفریقای جنوبی است. در حوالی قرن هجدهم قبیله یی در این کشور نوعی نوشیدنی الکلی را که در مراسم و آیین های سنتی خود، نوعی رقص محلی مذهبی، به عنوان محرک می نوشیدند تا با استقامت بیشتری برهند، زیر عنوان دوپ dop می نامیدند که به ورزش امروز راه یافت و دردسرساز شد؛ دوپینگ از واژه هلندی doop به معنی آیین غسل تعمید مسیحی گرفته شده است؛ کلنی های هلندی (مهاجرنشین یا مستعمره نشین) در آفریقای جنوبی لغت dop را برای توصیف انواع نوشیدنی های محرک به کار بردند؛ از این رو دوپ به رده گسترده تری از مواد و ورزش ها انطباق یافت و سرانجام جهانی شد.
Dope یک مفهوم عامیانه دارد که در پهنای دو قرن در سرزمین های مختلف آفریقایی، اروپایی وینگه دنیا مخصوصاً در کلنی های هلندی ساکن نیوآمستردام در آمریکای آن زمان، زندگی جهش وار، متنوع و متفاوتی را زیسته است. این واژه احتمالاً در سال ۱۸۸۹ معادل یک ماده ی مخدر کاهش دهنده ی کارایی اسب های مسابقه، وارد فرهنگ لغت انگلیسی شد. در زیر بخشی از تعاریف مربوط به این واژه که در فرهنگ ها و واژه نامه های مختلف انگلیسی به صورت اسم، فعل و صفت به کار می رود، ارائه می شود.
(روانشناسی-روانکاوی) اصطلاح عامیانه برای داروهای مخدر و توهم زا مخصوصاً هروئین و ماری جوانا؛ ماده ی مخدر؛ داروی محرک؛ (عامیانه) دوا، علف، آدم احمق، تهی مغز، مایع غلیظ، روغن، گریس، ماده ی لیزانه (روغن کاری)، زاموسخه؛ سس چسبناک؛ شربت شیرین چسبناک؛ داروی محرک دادن به؛ داروی بیهوشی خوراندن به؛ (غذا و نوشیدنی) داروی بیهوشی ریختن توی یا زدن به؛ دادن ماده ی مخدر یا محرک بویژه به سگ تازی (نوعی سگ شکاری)، به اسب مسابقه، به ورزشکار و از این قبیل؛ ماده ی مخدری که به طور غیرمجاز برای اهداف تفریحی مصرف شود، مخصوصاً کانابیس (=گیاه شاهدانه، حشیش، بنگ، ماری جوانا)؛ اسب دارو دادن (داروی انگیزگر یا آرام گر اسب مسابقه) اسب دارو دادن به؛ (در شرط بندی روی اسب های مسابقه) پیش آگاهی درباره ی وضع جسمانی اسب؛ (کامپیوتر) افزودن ناخالصی؛ (الکترونیک) آلاییدن؛ خبر پشت پرده؛ اطلاعات محرمانه؛ خبر؛ اطلاعات؛ خبری که بدرد روزنامه نویسان بخورد با دوپینگ؛ دوپینگ یا زورافزایی کردن؛ دادن دارو به انسانی یا حیوان به منظور کاهش یا افزایش کارایی آن ها در یک رقابت ورزشی؛ مصرف غیرمجاز دارو (مثل استر و بیدهای آنابولیک) یا روش (مثل دوپینگ خون) به قصد افزایش کارایی در رقابت های ورزشی؛...
از بررسی طیف گسترده تعریف دوپ، ریشه دوپینگ، که بگذریم، به خوبی پیداست که تعریف دوپینگ در روزگار ما کاملاً متحول و در تعریف آن برتری غیرمنصفانه و غیر شرافتمندانه در افزایش انحصاری کارایی (جسمی و ذهنی) لحاظ شده است. تعاریف رسمی این موضوع را روشن تر می کند: طبق تعریف کمیسیون پزشکی بین المللی المپیک، دوپینگ عبارتست از تجویز یا مصرف یک ماده خارجی یا ماده ی درون زای بدن، یا مقادیر غیرعادی و یا راه استعمال غیرطبیعی توسط شخص سالم با هدف افزایش کارایی ورزشی. در واقع دوپینگ به معنای استفاده از مواد متعلق به گروه داروهای ممنوع، محدود شده و یا استفاده از روش های گوناگون غیرمجاز می باشد.
از دید خوان آنتونیوسامارانش، دوپینگ نوعی تقلب است که از جنبه های مختلف منجر به اغطاط و مرگ می شود. مرگ فیزیولوژیک، چرا که دستکاری غیرعلمی در فرایند طبیعی بدن، باعث تغییرات شدید و گاه برگشت ناپذیر در بدن می شود.
مرگ جسمی، نظیر برخی موارد اسف بار مرگ ورزشکاران در سال های اخیر. انحطاط روانی شخصیتی ناشی از رضایت شخص به تقلب، نادیده انگاشتن توانایی ها و ظرفیت های شخصی و بزرگ کردن ناتوانی ها و معایب، و بالاخره انحطاط اخلاقی به واسطه تعدی فرد از قوانینی که تمام جامعه بشری پایبند آن هستند. سامارانش که خود نیز مورد انتقاد بود، ورزشکاران با تست دوپینگ مثبت را، به عنوان گروهی از کلاهبرداران عملکرد یا کارایی در میان ورزشکاران المپیک درنظر گرفت. البته مواردی دوپینگ محسوب می شوند که سازمان های تنظیم و اجرا کننده رقابت های ورزشی، مصرف آن ها را ممنوع اعلام کرده اند. فهرستی از مواد ممنوعه که مرتباً تغییر می کند و به روز می شود. نکته مهمی که بایسته است مربیان، ورزشکاران ... بدانند.
از زمان شکل گیری کمیته بین المللی المپیک در سال ۱۸۹۴ توسط پیربارون دوکوبرتن و شروع بازی های المپیک و ورزش مدرن در سال ۱۸۹۶ و به موازات پیشرفت های دانش پزشکی، داروسازی، زیست فناوری... گرایش به دوپینگ روزافزون بوده است. از اولین موارد مستند دوپینگ، توسط تام هیکس بریتانیایی الاصل زاده آمریکا و قهرمان دو ماراتون در بازی های المپیک تابستانی ۱۹۰۴ سنت لوییز، که به توصیه مربی اش کارلوس لوکاس، زورافزایی کرد، تا دوپینگ پیچیده لانس ادوارد آرمسترانگ آمریکایی، که از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ قهرمان مسابقات توردوفرانس بود، و طی دهه اخیر، رخدادها و اتفاقات شومی در رقابت های جهانی و المپیکی روی داده است.
در ابتدا موارد مصرف دارو بدون هیچ گونه عواقبی از سوی ورزشکاران و مربیان، اعتراف می شد. در دوره هایی از این تقریباً یک قرن دوپینگ، هیچ مکانیزم فشار متحد، آزمایش و سیستم محروم کننده ی یکپارچه یی وجود نداشت. هر یک از تست های دوپینگ، مورد به مورد، متفاوت داوری شد. این امر منجر به سیستم محروم کننده یی می گردید که در بهترین حالت اتفاقی بود. تعدادی از مربیان، ورزشکاران و حتی رهبران المپیک خواستار لغو آزمایش ها بودند. برخی از کشورها و فدراسیون های ورزشی، تقلب دوپینگ را مجازات می کردند و برخی نادیده می گرفتند. این دسته از کشورها و فدراسیون های هر ورزشی، به ورزشکاران خود در دوپینگ کمک می کردند یا به آن ها در عبور از آزمایش های دوپینگ آموزش می دادند. سرانجام در پی ناتوانی و عدم هماهنگی سازمان های مختلف ورزشی مستقل در کنترل این نابسامانی ها، آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ یا وادا wada با ابتکار برخی از رهبران کمیته بین المللی المپیک ioc در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد.
اما با وجود مقررات سفت و سخت! لیست های مواد ممنوعه، آزمایش های رسمی دوپینگ، مثبت شدن ها و لورفتن ها، رسوایی ها، مجازات ها و محرومیت ها،



خلع مدال ها و افتخارات، عارضه های گسترده جسمی و روانی، باز هم رفتار مجرمانه، انحرافی و ضد اخلاقی دوپینگ دنیای ورزش را به چالش می کشد. به راستی پیروزی و قهرمانی از گذر رقابتی نابرابر و متقلبانه برسر این ثانیه ها، سانتی مترها، گرم ها، امتیازها، نرمش ها و انعطاف ها، چه مزایا و جذابیت هایی دارد که ارزش های متعالی ورزش، اعتبار ورزش رقابتی، حیثیت و سلامت خود و ورزشکار... در قیاس با آن رنگ می بازند.
با توجه به تحولات عمیق جوامع در دهه های اخیر، عدم قطعیت ها، ماهیت امروزی زندگی و ورزش مدرن که روز به روز پرهزینه تر و پرزرق و برق تر و تجاری تر می شوند، جایگاه پررنگ ورزش در این جوامع که از اطلاعات، تصویر و مصرف سرریز می شوند، تعامل و تأثیرات متقابل بین ورزش و دیگر نیروهای اجتماعی که ورزش را به خدمت خود گرفته اند، سرمایه گذاری تریلیونی در صنعت سرگرمی، شبکه ی گسترده مافیای دارویی، نگاه به پیشرفت و موفقیت با معیارهای صرفاً مادی... دوپینگ در زنجیره علل و عواملی درگیر است که منحصر به ورزش نمی شود.
برای اکثر ورزشکاران، به ویژه ورزشکارانی که میل به برد در آن ها از ملاحظات اخلاقی و پزشکی قوی تر است، تنها پیروزی آن هم از نوع فاخر ورزین فام اش، یعنی قهرمانی مدنظر است. زیرا به احتمال زیاد، برنده مدال (به ویژه قهرمان)، نیاز به پول، شهرت، محبوبیت، فرصت های تازه، موقعیت اجتماعی بالاتر، تأیید و احترام، دیده شدن و اثبات خود، لذت... را یکجا ارضاء می نماید. از این رو در تبدیل عملکرد به پول نقد و سایر موارد، برای این سنخ از ورزشکاران، دوپینگ وسوسه یی همیشگی است.
فشارهای اجتماعی و انتظارات گاه غیرواقعی مردمی که دوست دارند ورزشکاران شان رقابت ها را بهتر و بهتر انجام دهند، آن ها را در وضعیت ناخوشایند زورافزایی کردن قرار می دهد. زیرا جامعه در فرد جنبه یی درونی دارد و شخص حتی در خلوت خویش نیز از حضور جمع و فشار ناشی از تصورات، برداشت ها و ارزیابی های چندگانه یی که بین او و جامعه شکل گرفته است، رها نیست. دیگران مهمی از این مردم، مثل خانواده، دوستان، همکنشان یا هم تیمی ها، فن ها و تشویقگران، مربیان، مدیران، پزشکان تیم ... از منابع فشار مضاعف هستند.
عملکرد برخی رسانه ها (ورزشی یا غیرورزشی) مخصوصاً عملکرد ورزشی آن ها تشویق و تسهیل کننده مصرف مواد داروهای نیروزا او از این قبیل نه تنها در میان نخبه ها و حرفه یی های ورزشی، بلکه در تمام سطوح جامعه است. این نوع از رسانه ها، نه از منظری اجتماعی، نگاهی فرهنگی، و یا با هدف آگاهی بخش و بهبود جامعه، که با در نظر گرفتن اهداف و منافع حامیان و کنترل کنندگان شان، چهره ها و الگوهای سینمایی و ورزشی ای را به عنوان نماد سلامتی، بدن کامل، خوشبختی و موفقیت اجتماعی، در جامعه مدرن، خلق می کنند. که به ادراکات مشترک اجتماعی، حجمی مسموم می بخشند.
در این گیر و دار دولت هایی که از ورزش همچون ابزاری برای تبلیغ سیستم خود، ارتقاء موقعیت اجتماعی بین المللی و شکوه و عظمت کشورشان سود می جویند، با وادار کردن ورزشکاران خود به دوپینگی برنامه ریزی شده و سازمان یافته، به بحران دامن می زنند.
هیچ کس به درستی از ژرفای رقابت تحلیل برنده و توانفرسایی که به صورت چند جانبه و چندوجهی، در طول زندگی حرفه یی یک ورزشکار- به ویژه در میدان مسابقه- جریان دارد، آگاه نیست. این وضعیت و گاه ادامه مسابقه با وجود مصدومیت، خستگی و فرسودگی، ورزشکار را به استفاده از انواع مواد و داروها و روش های ممنوع سوق می دهد.
اما در کنار بحث علل و عوامل موثر بر دوپینگ ورزشکاران، دوپینگ یا زورافزایی شکل های دیگری نیز دارد. مثلاً پدیده ضد انسانی و خطرناک بار دوپینگ یا دادن دارو به یک ورزشکار توسط رقیب، برای کاهش کارایی یا بدنام کردن وی که به طور جدی ورزشکاران بی تقصیر را، با جابجایی یک بطری آب یا ظرف غذا به خاک سیاه می نشاند.
دوپینگ مالی، شکل دیگری از دوپینگ است که در آن پول جای دارو را می گیرد. آرسن ونگر به روشنی، اصطلاح دوپینگ مالی را با اشاره به قهرمانی چلسی (۲۰۰۵) در لیگ برتر انگلستان و افراط کاری در هزینه های نقل و انتقالات باشگاههایی مثل رئال مادرید، منچسترسیتی و چلسی وضع و معرفی کرد. او چلسی را به ریاکاری و تقلب متهم می کند و می گوید، موفقیت کوتاه مدت ممکن است قمار تکنیکی و به خطر انداختن ثبات مالی درازمدت منجر شود. او همچنین کنترل روی دوپینگ را ناکافی می داند و معتقد است یوفا و فیفا باید کارهای جدی تری انجام دهند. میشل پلاتینی! نیز بر این باور است که این ها چالش جدی برای مفهوم موازنه مالی و ایده ی بازی منصفانه و بی شیله پیله در رقابت های اروپایی است.
فراهم آوردن محیطی برابر برای تمامی ورزشکاران در کنار دیگر علل مخالفت و مبارزه با دوپینگ (دارویی، مالی...)، مثل احترام به اخلاق پزشکی و ورزشی و محافظت از سلامت ورزشکاران بسیار حیاتی است. زیرا افراد فعالیت بدنی، ورزش و رقابت را باید در فضای دمکراتیک انجام دهند. یعنی یکسان بودن ورزشکاران در قبال مقررات بازی، داوری... به آن ها فرصت برابری را برای رساندن خود و تیم شان به پیروزی می دهد. آن ها با رها شدن از اعتبار، جایگاه اجتماعی، پست ها و القاب و محو شدن در نظم اجتماعی بازی خود را در سود و زیان تیم (یا جامعه) شریک می دانند.
لارسون می گوید: پراهمیت ترین ارزش های سیاسی در ورزش و فعالیت های بدنی، توانایی این فعالیت ها بر رشد دادن شهروندی شایسته و مسئولیت پذیر است. چه از رهگذر تیم ورزشی، فرصت های خوبی برای ورزشکاران فراهم می آید تا با عناصر سیاسی ای که موضوع بنیادین هر جامعه متمدنی را تشکیل می دهند، آشنا شوند. عناصری چون احترام نهادن به شخصیت انسانی، برابری فرصت ها، به کارگیری اندیشه و خرد در گشودن مشکلات و خویشتنداری.
دوپینگ همه این فرصت ها، ارزش ها، ایده آل ها و نظم ها را به چالش می کشد. برای داشتن جهانی عاری از دوپینگ، آن گروه از مواد، داروها و مکمل های بر عارضه که چون باد سموم دنیای ورزش و جوانان را درمی نوردید، عزم و اراده یی جهانی لازم است. چون که امروز اصل مهم ورزش قهرمانی، جشن پیروزی است. ورزش مدرن، ورزشکاران را زیر فشار زیادی برای پیروزی قرار می دهد. ازدیرپنزوزی: «مصرف بیش از حد عوامل دوپینگی می تواند نتیجه نهادینه سازی رفتار منحرف (انحرافی) باشد.»
اما محمد فضالی می گوید: «با وجود همه انتقادهایی که به مسئله رقابت شده است، این امر همچنان رکن رکین ورزش به شمار می رود... این عنصر همچنان جوهره ورزش و یکی از مهمترین مؤلفه های اجتماعی آن را تشکیل می دهد...». او رقابت را دارای کارکردهای مفید می داند اما این گونه ادامه می دهد: «... بنابراین آن را در احاطه چارچوبی از ارزش های پذیرفته اجتماعی، از قبیل رقابت والا، شرافتمندانه و سالم و همانند آن درآورد؛ از این رهگذر است که می توانیم رقابت را از کشمکش و معایب آن دور سازیم و به ورزش چهره رقابتی-اجتماعی اصیل آن را برگردانیم».
عقیده رسمی جنبش المپیک، سریع تر، قوی تر، بالاتر، باید با عبارت مهمترین چیز پیروزی نیست، بلکه شرکت کردن است کامل شود. همانگونه که در زندگی مهمترین اصل تلاش است نه پیروزی. اصل مهم فتح کردن نیست بلکه خوب جنگیدن است.
هیچ قرص جادویی وجود ندارد. شعار صحیح بازی کن! را باید آویز گوش قرار داد. لازمه قهرمانی درست، استعداد، برنامه ورزشی علمی، تغذیه خوب، تمرین سخت، رفتار منصفانه و کمی شانس است.
با توجه به میزان شیوع مصرف مواد و داروهای نیروزا با انگیزه ها و دلایل مختلف در جامعه به ویژه در گروههای سنی جوان و نوجوان باید فکر چاره بود. دوره نوجوانی دوره کنجکاوی، تقلید، قدرت نمایی و آسیب پذیری است. در این مرحله حساس فشارهای اجتماعی (مد، تعلق به گروه...) و فشارهای روانی (اضطراب، ناامنی، ناامیدی) آنان را در خطر لغزش قرار می دهد. انسان ها در ساختارها و سازمان های اجتماعی که خود نیافریده اند. به دنیا می آیند و تحت فشارها، فضاها و قوانین زندگی می کنند. وجود فساد و تبانی در بین مقامات و سازمان های جهانی و ملی دوپینگ این جرأت و جسارت را به جوانی ورزشکار می دهد که خطاب به آن ها بگوید، آینه ام من، اگر زشتی زشتم و گر نکویی نکوست سیرت و سانم.
ورزش که باید سلامت، نشاط و شادابی و همبستگی جامعه را در پی داشته باشد، نباید خود به خطرناکترین عامل برای جامعه تبدیل شود. از معضلات دوپینگ در ایران این است که افراد متخصص، کارشناس و اهل مشاوره کمتر در اختیار ورزشکاران قرار دارند و آن ها بیشتر اوقات اطلاعات را از افراد ناآگاه غیرمتخصص کسب می کنند که ناکافی و غلط هستند. در کنار جرائم و محرومیت ها، آموزش یکی از کم هزینه ترین و مؤثرترین روشهای مبارزه با دوپینگ است. به گفته اندیشمندی، زمانی می توان از یک انسان انتظار رفتار یا خروجی خوب را داشت که پیش از آن جامعه و مسئولین امر ورودی قابل قبول و قابل پذیرش به او داده باشند. تا چنین ساختار و محیط تسهیل کننده یی وجود دارد، دوپینگ پدیده و رفتاری طبیعی است؛ پاجوش ها را دریابیم.

درخواست رئیس فدراسیون فوتبال:

احداث زمین چمن مصنوعی در مناطق روستایی و شهری در همه استان‌ها اجرا شود

رئیس فدراسیون فوتبال ایران گفت: احداث زمین چمن مصنوعی در مناطق روستایی و شهری در همه استان‌ها اجرا شود.
به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، مهدی تاج در نشست با استاندار بوشهر اظهار داشت: فوتبال ساحلی ایران در رنکینگ جزو ۵ تیم برتر دنیاست و در مسابقات بین قاره ای نیز دوم جهان شدیم که افتخاری ارزشمند است.
وی با اشاره به جایگاه فوتبال ساحلی ایران در آسیا افزود: کشور ایران در آسیا به عنوان مرکز و محور فوتبال ساحلی است و بوشهر نیز در ایران جایگاه ویژه ای در فوتبال ساحلی دارد و پارس جنوبی سه چهار سال پیاپی در لیگ برتر قهرمان شده و همیشه ۵ یا ۶ بازیکن از بوشهر در تیم ملی فوتبال ساحلی حضور دارند.
رئیس فدراسیون فوتبال با اشاره به میزبانی بوشهر در مسابقات فوتبال ساحلی چند جانبه با حضور تیم های مطرح جهان خاطرنشان کرد: تیم های پرتغال و ایتالیا و لهستان در این تورنمنت مهم جهانی حضور دارند و امیدواریم میزبان شایسته ای باشیم.
تاج تصریح کرد: اگر بوشهر بتواند میزبان مناسب و شایسته ای برای این تورنمنت معتبر باشد، در آینده



می توانیم مسابقات جام جهانی کوچک را میزبانی کنیم و این بسیار مهم و ارزشمند است.
وی یادآور شد: از محل برگزاری مسابقات در جوار دهکده گردشگری بازدید کردیم و زیرساخت ها آماده بود و امیدواریم در کمترین زمان تکمیل شده و مسابقات در زمان مقرر برگزار شود.
رئیس فدراسیون فوتبال با تقدیر از تلاش ها و اقدامات استاندار بوشهر در احداث زمین چمن مصنوعی در روستاها و شهرهای مختلف استان بوشهر بیان کرد: احداث این تعداد زمین فوتبال در روستاها و محلات مختلف شهرها نشان دهنده عزم جزم مسئولان استان بوشهر برای گسترش فوتبال و ورزش در تمام مناطق است و کاری بی نظیر و استثنایی و بسیار با ارزش به شمار می رود.
تاج گفت: باید از این مدل الگوبرداری شود و استانداران و مسئولان سایر استان ها نیز در احداث زمین چمن مصنوعی در مناطق روستایی و شهری اقدام کنند تا از همین زمین ها، بازیکنان بزرگی رشد کنند و آینده فوتبال مملکت را بیمه کنند.
وی ابراز داشت: شک ندارم در ۱۰ سال آینده و با وجود چنین زمین های ورزشی در مناطق روستایی، فوتبال استان بوشهر رشد محسوسی خواهد کرد، چون وقتی در روستاها و محلات، فوتبال جریان پیدا کند و زنده شود، لیگ شهرستان ها و استان پویاتر شده و در آینده بازیکنانی ملی و بین المللی تحویل خواهد داد.
تاج گفت: طبق گزارشی که از مسئولان فوتبال گرفته ام، استقبال بسیار خوبی از این زمین ها شده و جوانان و نوجوانان علاقمند در این زمین ها ورزش می کنند و نویدبخش آینده ای روشن است.
وی افزود: همه باید کمک کنیم تا ورزش مملکت و به ویژه فوتبال مملکت رشد کند و بدون تردید این گونه اقدامات در راستای تقویت ورزش است.

آمادگی بوشهر برای میزبانی تورنمنت بین المللی چهارجانبه فوتبال ساحلی

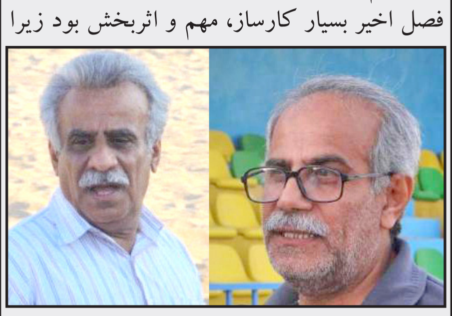
استاندار بوشهر از آمادگی بوشهر برای میزبانی تورنمنت بین المللی چهارجانبه فوتبال ساحلی خبر داد. به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر مصطفی سالاری در نشست با رئیس فدراسیون فوتبال اظهار داشت: گسترش ورزش در تمام شهرها و روستاهای استان مورد توجه و تاکید ما قرار دارد و احداث زمین های ورزشی در روستاها و محلات مختلف شهرها در همین راستاست.
وی با اشاره به آمادگی بوشهر برای میزبانی تورنمنت بین المللی چهارجانبه فوتبال ساحلی نیز بیان کرد: تلاش زیادی برای ایجاد زمین جدید فوتبال ساحلی در جوار دهکده گردشگری انجام شده و این زمین با رعایت تمام استانداردهای بین المللی احداث می شود و ظرفیت بیش از ۱۲۰۰ تماشاگر را خواهد داشت. استاندار بوشهر گفت: بخش زیادی از پروژه زمین فوتبال ساحلی انجام شده و تا قبل از آغاز مسابقات نیز امیدواریم این زمین تکمیل و آماده میزبانی مسابقات شود.
مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر نیز گفت: اقدامات لازم برای آماده سازی زمین ورزشی برای میزبانی مسابقات فوتبال ساحلی انجام شده و در موعد مقرر آماده بهره برداری خواهد بود.
احمد بهروزیان فر افزود: برای اسکوبورد این ورزشگاه نیز پارس جنوبی اقدامات لازم را انجام داده که لازم است از مدیرعامل پارس و همچنین مدیرعامل باشگاه ورزشی پارس جنوبی قدردانی کنیم.

پابرهنه هایی که نام بوشهر را پرآوازه کردند

رضا سیاهوشی



همیشه معتقدم و بر این باورم که اگر امروز موفقیتی در فوتبال ساحلی کشور بنام استان بوشهر وجود دارد بیشتر بخاطر تلاش، جدیت، زحمت، دلسوزی، فداکاری و ایثار برادران طبیب نژاد بوده که با جمع کردن شیرمردان کوی صلح آباد توانستند در فوتبال بسیار بیمار ما قد علم نمایند.
اگر امروز مهدی تاج بعنوان رییس فدراسیون جهت بازدید از امکانات و شرایط میزبانی از چند تیم بزرگ جهان به بوشهر سفر می کند، چیزی نیست جز اقتدار و قدرت نمایی دلاور مردان بوشهری در فوتبال ساحلی که همه را به تحسین خود وا داشتند.
اما همان طور که حسین و عباس طبیب نژاد در کسب موفقیت های تیم دریانوردان نقش زیادی داشتند، حمایت همه جانبه و تحت پوشش قرار دادن تیم توسط شرکت پارس جنوبی نیز در چند فصل اخیر بسیار کارساز، مهم و اثربخش بود زیرا



که عمده مشکل تیم دریانوردان مسئله مالی بود و وقتی با پارس جنوبی به توافق رسیدند، ضمن این که از امکانات لازم و کافی برخوردار شدند با خرید بهترین بازیکنان ساحلی کشور هم به نوعی رقبای خود را خلع سلاح می کردند و هم تیم خود را قوی و غنی از بازیکنان باتجربه و بزرگ.
و این باعث ایجاد انگیزه، علاقه و جذب بیشتر بازیکنان جوان و بومی شده بود که می توانست در آینده برای استقلال و خودکفایی بازیکن، آنان را بی نیاز و موفق نماید.
اینها مرهون تلاش، درایت و زحمات مربیان و حمایت پارسی ها و از همه مهمتر هماهنگی، همکاری و همدلی بین طرفین بود که موفقیت های پی در پی کسب می گردید و کار همه نیز قابل ستایش و تقدیر بود.
حال که متاسفانه ایجاد اختلاف و درگیری بین کادر فنی و مدیران ورزشی پارس جنوبی باعث شده که یکی از بازیکنان بزرگ و نامی بومی بعنوان سکاندار تیم معرفی گردد نمی توان به آینده این تیم که سالها در فوتبال ساحلی کشور آقایی نموده خوش بین و امیدوار بود زیرا که نه خود مسلم مسیگر قلبن راضی به انجام این کار و قرار گرفتن در جای اساتیدی هست که سالها برای پیشرفت او زحمت کشیدند و نه بخشی از هواداران، بزرگان و صلح آبادی ها علیرغم اینکه کاپیتان مسیگر پاره تن خود می دانند، چنین تغییری را به راحتی می پذیرند.
هر چند به نظر می رسد انتخاب مسیگر هم به نوعی سیاست، کاری حضرات می باشد اما باز هم تصمیم درست و قابل قبولی نیست زیرا که به نوعی این انتخاب و پذیرفتن ناچاری آن توسط مسیگر تنش ها را تشدید و تفرقه در بین هواداران تیم و بخصوص در میان اهالی محترم صلح آباد خواهد انداخت.
پس اگر این ماجرا ادامه یابد، یقین بدانید فوتبال ساحلی، مربیان و بازیکنان بومی ما متضرر اصلی آن خواهند بود.
اکنون برای اینکه رشته های کسب موفقیت گسسته نگردد و برای جلوگیری از ایجاد تفرقه و درگیری و همچنین بخاطر اینکه حق بچه های بوشهر از بین نرود و انگیزه کشی صورت نگیرد و دیگر اینکه تنها موقعیت ایده آل فوتبالی ما در کشور همچنان پابرجا باشد و محفوظ بماند، شایسته هست که مدیران پارس جنوبی و بخصوص مهندس رضاییان که مسئولیت امور ورزشی بعهده دارد و همچنین برادران طبیب نژاد تجدیدنظری در تصمیم و رفتار خود نمایند تا هم کدورتها کنار گذاشته شود و هم رفتار، منش، گذشت و اخلاق در ورزش را به معنای واقعی نشان داده باشند.
یقین داریم انجام چنین پیوند و وفاقی، ستودنی و نام و کردارشان ماندگار و جاودان خواهد شد.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



سید حسن محمدی

روز آماده باش و شب بیدار
زن و فرزند لحظه ی دیدار!
مادر، امشب پدر نمی آید؟!
شرم بر هر دو:
آتش و آوار

***

مریم حقیقت
نشان بی نشان ها را ندیده است
شکوه آسمان ها را ندیده است

دلم جا مانده اینجا زیر آوار
کسی آتش نشان ها را ندیده است؟!

ماشاالله شیخیانی

پلاسکو کنده شد از آه سردم
که گل خشکیده شد از آه و دردم

در این وادی غم و بی کسی ها
برایش اشکِ ماتم گریه کردم
***
شهید گریه های آتشم من
همان تیروکمان آرشم من

لباسم سرخ چون گلهای لاله
گهی سوی خدا پر می کشم من
***
شب و روز خدا آماده باشم
گل سرخی بپوشم ساده باشم

منم آتش نشان ملک کورش
اگر وا شد قفس آزاده باشم

سالاری: پرورش جوانان مستعد برای مدیریت آینده کشور ضروری است
تقدیر دولت از استاندار بوشهر، به عنوان استاندار موفق در حوزه جوانان

استاندار بوشهر به عنوان استاندار موفق در حوزه جوانان، مورد تقدیر قرار گرفت. دکتر سالاری در کنگره ملی مدیریت امور جوانان که در هتل المپیک برگزار شد، به دلیل فعالیت تأثیر گذار در حوزه جوانان، مورد تقدیر معاون رئیس جمهور به نمایندگی از دولت قرار گرفت.

به گزارش نسیم جنوب در این همایش استاندار بوشهر به عنوان استاندار موفق در حوزه جوانان به ایراد سخنرانی پرداخت.

دکتر سالاری در سخنان خود نخست از دکتر جهانگیری معاون اول رئیس جمهور و دکتر سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان بابت برگزاری این کنگره تشکر نمود و ضمن تسلیت درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی و ابراز تأسف از حادثه آتش نشانان، مختصری از فعالیت های این استانداری را در حوزه جوانان عنوان داشت.

وی با اشاره به توجه ویژه به آماده سازی فضا برای ورود جوانان به عرصه مدیریت اظهار داشت: در بکارگیری مدیران جوان، تمام بخشداران از بین جوانان با حداکثر ۳۸ سال سن، انتخاب و منصوب شدند. همچنین ۲۳۰ مدیر جوان در سطوح عالی، میانی و پایه مشغول به خدمت هستند. فرماندار تنگستان و ۵ مدیر کل استانی، جوانترین های کشور هستند و به طور کلی، نسل جدیدی از مدیران تربیت و کانون مدیران جوان به منظور توانمندسازی مدیران جوانان تأسیس گردیده است.

استاندار بوشهر افزود: در راستای بهره گیری بهتر جوانان از اوقات فراغت، طرح های امید در استان طراحی شد که امکاناتی فراگیر در سطح روستاها و محلات کلیه شهرها ایجاد شده است. برای کلیه روستاهای دارای ۵۰۰ نفر جمعیت و بیشتر، زمین چمن مینی فوتبال استاندارد با برج روشنایی، تحت عنوان طرح ۵۰۰ احداث شده است. همچنین برای محلات کلیه شهرهای استان نیز، معادل هر ۵ هزار نفر جمعیت یک زمین چمن، پیش بینی و لذا مجموعاً حدود ۲۵۰ زمین چمن در طی دولت تدبیر و امید در استان بوشهر احداث شده است. در اجرای طرح ۳۰۰، برای کلیه روستاهای دارای ۳۰۰ نفر جمعیت و بیشتر، زمین



والیبال و در اجرای طرح سینما روباز، هر روستا یک سینما روباز پیش بینی شده است. همچنین برای نشاط و شادابی جوانان، ۲۴۶ بوستان امید روستایی، در دست اجراست. علاوه بر این ۹ دهکده گردشگری ساحلی، برای استفاده و اشتغال جوانان، در مراحل مختلف در دست اقدام است.

استاندار بوشهر در ادامه سخنان خود به طرح امید اجتماعی اشاره نمود و آن را از ابتکارات استان در راستای آموزش مفاهیم شهروندی و ارتقاء سرمایه اجتماعی دانست و اظهار داشت: مرحله اول طرح امید اجتماعی در ۶ محور آموزشی، با شرکت حدود ۲۰ هزار نفر در ۲۱۰ کارگاه آموزشی برگزار گردید و مرحله دوم آن نیز، در ۱۰ محور و با پیش بینی شرکت ۴۲ هزار نفر، در حال اجراست. همچنین تعداد سمن ها از ۱۶ سمن در سال ۱۳۹۲ به ۱۳۰ سمن افزایش یافته است.

استاندار بوشهر در ادامه به برنامه های فرهنگی و ورزشی برای افزایش نشاط و شادابی جوانان اشاره کرد و گفت: برای نشاط و شادابی جوانان، جشنواره فرهنگی –ورزشی امید با شرکت ۳۵ هزار نفر در چند رشته ورزشی برگزار شد. همچنین مسابقات ورزشی فجر امید، امسال نیز، با شرکت حدود ۸۰۰ تیم در ۲۰۰ زمین چمن احداثی در محلات کلیه شهرها و کلیه روستاهای سراسر استان، در حال اجراست.

دکتر سالاری با اشاره به برگزاری نشست های هم اندیشی به صورت مستمر با جوانان شهرستانهای استان به طور دوره ای و جداگانه، اظهار داشت: خانه جوان در ۵ شهرستان راه اندازی شد و در ۵ شهرستان مابقی در دهه فجر خانه جوان افتتاح و ۱۰۰ درصد شهرستانهای استان دارای خانه جوان می شوند.

طرح تقویت بنیه علمی دانش آموزان از جمله مواردی بود که استاندار بوشهر در سخنرانی خود به آن پرداخت و گفت: به منظور توانمندسازی نوجوانان و جوانان، طرح تقویت بنیه علمی دانش آموزان در مدارس شهری و روستایی سراسر استان بطور مستمر در حال انجام است و همچنین مسابقات علمی ستارگان امید توسط صدا و سیمای استان با همکاری آموزش و پرورش در دست اجرا هستند.

سالاری در بخش دیگری از صحبت های خود با اشاره به دو پیشنهاد خطاب به معاون اول ریاست جمهور و وزیر ورزش و جوانان ادامه داد: استفاده از تعدادی از جوانان مستعد و دارای شرایط به عنوان "کارآموزان جوان" در کنار مدیران استانی برای یادگیری و کسب تجربه اصول مدیریت و بهره بردن در آینده کشور امری ضروری محسوب می شود. هم چنین تشکیل پارلمان مشورتی جوانان با عنوان "اندیشکده جوانان" را در سطوح استانی و شهرستانی پیشنهاد می نمایم، تا با استفاده از کمیسیون های تخصصی خود، ایده و اندیشه و نظرات جوانان را تدوین و با دعوت از مدیران به هم اندیشی، مذاکره و تبادل نظر بپردازند.

استاندار بوشهر در ادامه به دومین پیشنهاد خود اشاره نمود و افزود: درخواست دارم که واگذاری طرح ها و پروژه های مطالعاتی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی به سمن ها نهادینه شود و مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

تقدیر تلویزیون ماهواره ای شانکسی چین از محسن شریفیان و هنرمندان موسیقی بوشهر



تلویزیون ماهواره ای شانکسی طی تقدیرنامه ای از هنرمندان موسیقی محلی بوشهر، تجلیل نمود.

به گزارش نسیم جنوب، متن این تقدیرنامه بدین شرح است:

تقدیرنامه

در راستای کمک به پروژه ای به منظور ساخت و ساز و توسعه سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و تبادل فرهنگی کشورها در امتداد جاده ی ابریشم، استانهای شان شی، گانسو، نیکشیا، شینگای، شینجیانگ، فوجیان، گوانگسی با همکاری هفت مرکز صدا و سیمای استانی اولین "فستیوال بهار جاده ی ابریشم" را از تاریخ ۱۰ تا ۱۴ ژانویه، در شیان شی چین برگزار کردند.

هنرمندان ایرانی، مهدی شریفیان، محسن شریفیان و حمید اکبری در تاریخ ۱۰ ژانویه از تهران آمده و در ۱۵ ژانویه چین را ترک کردند. ایشان در بخشی از جشنواره به اجرای برنامه و همکاری پرداختند. آنها برنامه شگفت انگیز نی انبان را اجرا کرده و افسون فرهنگ ایرانی را در شب فستیوال بهاری جشنواره جاده ابریشم به نمایش گذاشتند.

ما این نامه را برای تشکر از اعتمادی که به ما داشتید نوشتیم. با تشکر مجدد و آرزوی بهترین ها.

تلویزیون ماهواره ای شانکسی– ۱۶ ژانویه ۲۰۱۷

گل چینی از «صفای بعد هر باران» *
حیدر عرفان

صدای نم نم باران چه زیباست
«صفای بعد هر باران»، چه زیباست
بیا بر خاک دشتستان بنه رخ
بهاران نرگس و ریحان چه زیباست
نوازد گوش هوش با ریز نرمش
نوای جیل جیل* باران چه زیباست
ز هرجا جمع یاران، جمع باشند
نشست و محفل یاران چه زیباست
مقام شروه خوان با نای چوپان
شنیدن از نواخوانان چه زیباست
بنازم خاک پاک و کوه و دریا
که پیمانداری اینان چه زیباست
بنازم (پارس دریا)، دشت و کهسار
ستودن نازنین جانان، چه زیباست
ستم باشد اگر با غم سرآید
که شادی از دم باران چه زیباست
ز هشیاریست گفتن طرفه و نغز
گل آرایش پریواران چه زیباست
چه گویم زین سبب جز شادی جان
«صفای بعد هر باران» چه زیباست

* شعرنامه یی در سنجه ی چارانه (چهارپاره/ رباعی) از سوی استاد مهندس ادیب حضرت حبیب الله نگهبان
** – نوای زمزمه آسای ریزش باران نرم

تفکیک پسماندها
ساناز رستم جبری



در جوامع پیشرفته تفکیک پسماندها در مبدأ جزء قوانین اصلی مدیریت پسماند می باشد، زیرا پردازش پسماندها به وسیله ماشین آلات یا پردازش پسماندها به روش دفن اصولی یا پسماندسوز (زباله سوز) بسیار پرهزینه و زمین محل های دفن محدود می باشد. بنابراین تفکیک پسماندها به بخش های بازیافتی و غیربازیافتی هم توجیه اقتصادی داشته و هم توجیه اکولوژی (استفاده مجدد مواد، صرفه جویی هزینه های محل دفن و ...) و این در صورتی ممکن خواهد بود که برنامه آموزش عمومی به صورت جامع و مرتبط به شهروندان ارائه شود.

کودکان نخل تقی هوای پاک می خواهند



ناصر بوهندی: برای این که به بزرگترها بگویند هوای پاک حق مسلم ماست، کودکان دبستانی شهر نخل تقی، نزدیک ترین شهر به فازها و پالایشگاه های طرح پارس جنوبی روز هوای پاک را با نقاشی و کاریکاتور و پاکسازی ساحل دریا گرامی داشتند.

در روز هوای پاک کودکان دبستان "ابن سینا" شهر نخل تقی با بیش از ۲۰ هزار نفر جمعیت در بین فازهای گازی و پتروشیمی شهرستان عسلویه محاصره است، بر وظیفه بزرگترها برای تلاش با همدیگر در پاکی هوای شهرشان تاکید کردند.

تحقق وعده دولت تدبیر و امید در بوشهر
افتتاح رسمی دانشکده معماری دانشگاه خلیج فارس بوشهر









بار دیگر شاهد تحقق یکی دیگر از وعده های دولت تدبیر و امید در استان بوشهر بودیم.

کلنگ ساخت دانشکده معماری دانشگاه خلیج فارس بوشهر در سال ۱۳۸۶ بر زمین زده شد و گرچه قرار بود طی سه سال به اتمام رسد، اما عملا مورد بی توجهی قرار گرفت و نیمه تمام، رها گردید تا اینکه با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، استاندار بوشهر وعده راه اندازی این دانشکده را داد.

پس از آن با توجه ویژه دکتر سالاری و پیگیری های مدیران مربوطه در راه و شهرسازی، میراث فرهنگی، دانشگاه خلیج فارس و ... با تزریق میلیاردها تومان اعتبار، این دانشکده که نقش مهمی در رونق و احیا بافت تاریخی بوشهر خواهد داشت، با ۴ هزار و ۶۰۰ مترمربع زیربنا تکمیل و روز پنجشنبه ۳۰ دی ماه با حضور دکتر آخوندی وزیر راه و شهرسازی، بطور رسمی افتتاح شد تا شاهد تحقق یکی دیگر از وعده های دولت تدبیر و امید در استان بوشهر باشیم.

بوشهر آنلاین

بوشهریها یاد شهدای آتش نشان ساختمان پلاسکو تهران را گرامی داشتند

بوشهری ها با حضور در ایستگاههای آتش نشانی این شهر یاد شهدای آتش نشان را گرامی داشتند.

به گزارش ایرنا، در آیینی که با حضور شماری از شهروندان در ایستگاه آتش نشانی خیابان شهید مطهری برگزار شد آنها با اهدای شاخه های گل و روشن کردن شمع با خانواده های بازماندگان شهدای آتش نشانی به همدردی پرداختند و با خواندن دعاهایی از درگاه خداوند برای درگذشتگان این سانحه طلب مغفرت و آمرزش کردند. شماری از شهروندان بوشهری با حضور خانوادگی خود در ایستگاه مختلف آتش نشانی سطح شهر بوشهر حاضر و با اهدا شاخه های گل و خواندن فاتحه شهادت آتش نشانان سانحه ساختمان پلاسکو را به کارکنان ایستگاهها تسلیت گفتند. همچنین در شهرستان های مختلف استان بوشهر شاهد صحنه همدردی مردم با خانواده های بازماندگان شهدای آتش نشان در جریان ریزش ساختمان پلاسکو تهران بودند. ساختمان پلاسکو تهران صبح روز پنجشنبه سی دی ماه دچار حادثه آتش سوزی شد و پس از ساعتی فروریخت و تعدادی از آتش نشانان در این حادثه به شهادت رسیدند.



درخواست نامگذاری بلوار و یا خیابانی در بوشهر بنام هاشمی



رییس شورای اسلامی شهر بوشهر خواستار نامگذاری یک خیابان یا بلوار به نام آیت الله هاشمی رفسنجانی شد. عبدالخالق برزگرزاده در جلسه علنی شورا با گرامیداشت یاد و خاطره آیت الله هاشمی رفسنجانی گفت با هدف گرامیداشت شخصیت و مبارزات وی به عنوان یکی از اصلی ترین شخصیت های انقلاب اسلامی از جناب شهردار درخواست دارم یک بلوار یا خیابان در شهر بوشهر به نام آیت اله هاشمی رفسنجانی رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام و از یاران دیرین امام (ره) و رهبری نامگذاری شود.

هفت بنگله

فراز غلام زاده: هفت ساختمان جدا و مستقل از یکدیگر که به عمارت های هفت بنگله مشهور بودند توسط "حاج محمد کریم امین التجار" و "مظفریان" احداث شد.

بعدها این بناها محل استقرار انگلیسی ها شد.

امروز از هفت بنا سه عمارت در منازل مسکونی گمرک در محله بهمنی بوشهر به صورت نیمه



مخروبه باقی مانده است.

این بناهای ارزشمند تاریخی که بیش از صد سال قدمت داشته در دو طبقه ساخته شده اند.

در تصویر طارمه های عریض طبقه اول با ابعاد طولی بیش از سی متر و عرض بیش از سه متر مشاهده می شود.